

انسان در برابر شرافت طبیعت، بزرگوار نیست.هزاران سال است که انسان در برابر بزرگوار ی طبیعت، خود کامگی پیشه کرده است؛ ناپسندگی انسان نسبت به سهم خود در افسانه‌های مذهبی نیز دیده می‌شود؛ قایل بر داشته‌های خود چشـم و رست و بـه داشته‌های هایل رشک و وزید و سرانجام و را کشت؛ تا انسان از تبار قایل ازمند باشد نه‌هایل سخاوتمند.

اینک در بخش برزیلی جنگل های آمازون

بیش از ۲۴ میلیون تن بومی سرخپوست زندگی می‌کنند.

آنان در دوران یخبندان زمین-در ۱۷هزار سال پیش از سبیری به خشک‌دار امریکا-آمازون- کویچیدند.کاوش‌های باستان‌شناختی می‌گوید مردم آمازون همان تبار ما انسان‌ها هستند؛ به سخن دیگر انسان‌های امروز از آنان به وجود آمده‌اند.

*** در بخش برزیلی جنگل‌های آمازون بیش از ۲۴ میلیون تن بومی سرخپوست زندگی می‌کنند**

*** آنان در دوران یخبندان زمین-در ۱۷هزار سال پیش از سبیری به خشکدار آمازون کوچیدند**

*** در صنعت،آن بسیار پرشتاب‌تر از کلر می تواند از سلول باکتری هاکنر کندو تعداد زیادی از آنها را تا چندین برابر تندتر از کلر نابود سازد**

*** دهه ۷۰ میلادی بر روی نخستین بار در قلمرو جنوبگان، پژو هسگران به لایه رو به ویرانی آن پی بردند**

*** پژو هسگران پنداشتند سبب بنیادی این نابودی، اکسید نیتروژن هوا پیماهای فرا صوت است تا این که در سال ۱۹۷۴ گفته شد برخی مواد شیمیایی و گاز های دست‌ساخت انسان مانند کلرو -فلوئورو -کربن (CFC) دشمن آن است**
*** هالون ها نیز همان گاز خاموش‌کننده آتش در سیلندر های دستی آتش‌نشانی و دشمن آن است**

در ژرفای جنگل های آمازون کسانی هستند که نه کتاب دیده‌اند و نه انسان شهری و نه توپیل و نه شهر. هر از گاه خبری از کشف یک تیره (قبیله) ناشناخته آمازون در رسانه‌های دنیا با تازاب می‌یابد. دولت برزیل برای ربمائی فرهنگ و نژاد این بومیان که هر یک زبان و آیین ویژه خود دارد، بخش‌های بزرگی از جنگل های آمازون را قلمرو های حفاظت‌شده و حتی کشور مستقل نموده‌است. هر سال در ماهی‌های ژوئن و اوت، تیره‌های مانند گار در جنگل آمازون، جشن گوراب برگزار می‌کنند و رقص ،غذاها و آیین‌های خود را به نمایش می‌گذارند. ورود بیگانگان به این جشن‌ها برای آتماش آنها به اجازه پیشوایان ممکن است.

زخم آتشین

اینک آمازون در آتش می‌سوزد و بومیان نگران زندگی خود هستند؛ در به وجود آوردن این نگرانی جایای دولت و کشاورزان شهری‌شده برزیلی دیده می‌شود که به جای بالا بردن تولید در واحد زیر کشت، به افزایش کشتزار می‌پردازند که لازمه‌اش تراشیدن و خراشیدن و سوزاندن درختان جنگل‌های بارانی است. کشاورز شهری‌شده برزیل مانند دیگر ردمان جهان برای ادامه زندگی شهری خود به یول بیشتر نیاز دارد و همچنین به خودروی مدل

بالا و دارای کولر؛ او یخچال می‌خواهد و فریزر و آب و اسفنج و دستگاه دفع آفت کشاورزی و دستگاه تهویه و سیلندر خاموش کردن آتش و اسپری برای پاکیزه نگهداشت ابزارهای الکترونیکی خود؛ و این‌ها مدام به لایه نازک از ن شلیک کرده و سوراخ سوراخش می‌کند. لایه‌ها زن از مهم‌های بخش هوا در کره زمین است که در لایه استرا-توسفر زمین قرار دارد. گاز آن توانایی زیادی در جذب برخی از فرکانس‌های پرتو فرابنفش -VU- دارد.

پرتوهای فرابنفش دارای انرژی زیادی‌اند که برای همه موجودات زنده بیماری‌زایند و چنگار پوست می‌آورد؛ ولی لایه از آن در برابرش پایداری نشان می‌دهد. پرتوهای فرابنفش به مولکول‌های آن بر خورد می‌کند و میزان زیادی از انرژی خود را از دست می‌دهد و به هرتو فروسرخ فرو کاشته می‌شود.

در صنعت، آن بسیار پرشتاب‌تر از کلر

*** در بخش برزیلی جنگل‌های آمازون بیش از ۲۴ میلیون تن بومی سرخپوست زندگی می‌کنند**

*** آنان در دوران یخبندان زمین-در ۱۷هزار سال پیش از سبیری به خشکدار آمازون کوچیدند**

*** در صنعت،آن بسیار پرشتاب‌تر از کلر می تواند از سلول باکتری هاکنر کندو تعداد زیادی از آنها را تا چندین برابر تندتر از کلر نابود سازد**

*** دهه ۷۰ میلادی بر روی نخستین بار در قلمرو جنوبگان، پژو هسگران به لایه رو به ویرانی آن پی بردند**

*** پژو هسگران پنداشتند سبب بنیادی این نابودی، اکسید نیتروژن هوا پیماهای فرا صوت است تا این که در سال ۱۹۷۴ گفته شد برخی مواد شیمیایی و گاز های دست‌ساخت انسان مانند کلرو -فلوئورو -کربن (CFC) دشمن آن است**

*** هالون ها نیز همان گاز خاموش‌کننده آتش در سیلندر های دستی آتش‌نشانی و دشمن آن است**

سال‌ها در اتمسفر زمین همچو مهمان ناخوانده و آب و اسفنج و دستگاه دفع آفت کشاورزی و دستگاه تهویه و سیلندر خاموش کردن آتش و اسپری برای پاکیزه نگهداشت ابزارهای الکترونیکی خود؛ و این‌ها مدام به لایه نازک از ن شلیک کرده و سوراخ سوراخش می‌کند. لایه‌ها زن از مهم‌های بخش هوا در کره زمین است که در لایه استرا-توسفر زمین قرار دارد. گاز آن توانایی زیادی در جذب برخی از فرکانس‌های پرتو فرابنفش -VU- دارد.

پرتوهای فرابنفش دارای انرژی زیادی‌اند که برای همه موجودات زنده بیماری‌زایند و چنگار پوست می‌آورد؛ ولی لایه از آن در برابرش پایداری نشان می‌دهد. پرتوهای فرابنفش به مولکول‌های آن بر خورد می‌کند و میزان زیادی از انرژی خود را از دست می‌دهد و به هرتو فروسرخ فرو کاشته می‌شود.

در صنعت، آن بسیار پرشتاب‌تر از کلر

*** در بخش برزیلی جنگل‌های آمازون بیش از ۲۴ میلیون تن بومی سرخپوست زندگی می‌کنند**

*** آنان در دوران یخبندان زمین-در ۱۷هزار سال پیش از سبیری به خشکدار آمازون کوچیدند**

*** در صنعت،آن بسیار پرشتاب‌تر از کلر می تواند از سلول باکتری هاکنر کندو تعداد زیادی از آنها را تا چندین برابر تندتر از کلر نابود سازد**

*** دهه ۷۰ میلادی بر روی نخستین بار در قلمرو جنوبگان، پژو هسگران به لایه رو به ویرانی آن پی بردند**

*** پژو هسگران پنداشتند سبب بنیادی این نابودی، اکسید نیتروژن هوا پیماهای فرا صوت است تا این که در سال ۱۹۷۴ گفته شد برخی مواد شیمیایی و گاز های دست‌ساخت انسان مانند کلرو -فلوئورو -کربن (CFC) دشمن آن است**

*** هالون ها نیز همان گاز خاموش‌کننده آتش در سیلندر های دستی آتش‌نشانی و دشمن آن است**

*** در بخش برزیلی جنگل‌های آمازون بیش از ۲۴ میلیون تن بومی سرخپوست زندگی می‌کنند**

*** آنان در دوران یخبندان زمین-در ۱۷هزار سال پیش از سبیری به خشکدار آمازون کوچیدند**

*** در صنعت،آن بسیار پرشتاب‌تر از کلر می تواند از سلول باکتری هاکنر کندو تعداد زیادی از آنها را تا چندین برابر تندتر از کلر نابود سازد**

*** دهه ۷۰ میلادی بر روی نخستین بار در قلمرو جنوبگان، پژو هسگران به لایه رو به ویرانی آن پی بردند**

*** پژو هسگران پنداشتند سبب بنیادی این نابودی، اکسید نیتروژن هوا پیماهای فرا صوت است تا این که در سال ۱۹۷۴ گفته شد برخی مواد شیمیایی و گاز های دست‌ساخت انسان مانند کلرو -فلوئورو -کربن (CFC) دشمن آن است**

*** هالون ها نیز همان گاز خاموش‌کننده آتش در سیلندر های دستی آتش‌نشانی و دشمن آن است**

*** در بخش برزیلی جنگل‌های آمازون بیش از ۲۴ میلیون تن بومی سرخپوست زندگی می‌کنند**

*** آنان در دوران یخبندان زمین-در ۱۷هزار سال پیش از سبیری به خشکدار آمازون کوچیدند**

*** در صنعت،آن بسیار پرشتاب‌تر از کلر می تواند از سلول باکتری هاکنر کندو تعداد زیادی از آنها را تا چندین برابر تندتر از کلر نابود سازد**

می‌تواند از سلول باکتری‌ها گذر کند و شمار زیادی از آن‌ها را تا چندین برابر تندتر از کلر نابود سازد. آن‌هم تاپید سازمان FDA امریکا را برای مجاورت مستقیم با مواد غذایی دارد و در سلامت انبار مواد غذایی، کمک بزرگی برای انبارداران است.

دهه ۷۰میلادی برای نخست‌بار در قلمرو جنوبگان، پژوهشگران به لایه رو به ویرانی آن پی بردند. نخست پنداشتند سبب بنیادی این نابودی، اکسید نیتروژن هوا پیماهای فرا صوت است تا این که در سال ۱۹۷۴ گفته شد برخی مواد شیمیایی و گازهای دست‌ساخت انسان مانند کلرو-فلوئورو- کربن (CFC) دشمن آن است.

گازهای CFC خنک‌کننده یخچال و کولر، در تولید مواد پلاستیکی نیز استفاده می‌شود؛ در این گاز اتم‌های کلر ناپایدار و واکنش‌پذیرند و زمانی که به لایه زمین می‌رسد در برخورد با نور خورشید، گاز کلر آزاد می‌کند و در برخورد با مولکول آن، آن را از میان می‌برد. با آزادی هر اتم کلر، ۱۰۰هزار مولکول آن نابود می‌شود.

گاز CFC در اتمسفر می‌ماند تا مدت‌ها به ویرانی لایه از آن ادامه دهد. زمانی که به استرا-توسفر می‌رسد تا ۱۰۰ سال پایدار می‌ماند. هالون‌ها نیز همان گاز خاموش‌کننده آتش در سیلندرهای دستی آتش‌نشانی و دشمن آن است و به مراتب از کلر ویرانگرتر، این گاز

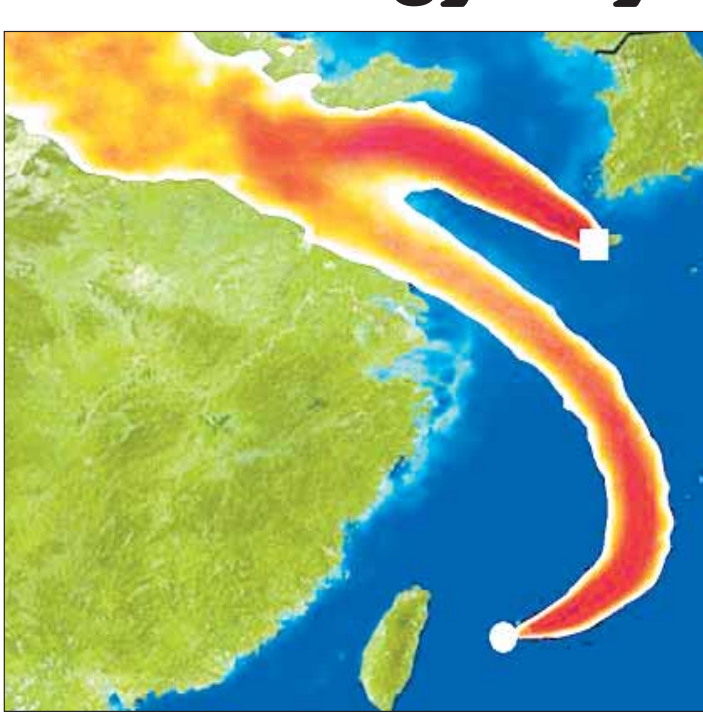
این‌ها نیست بلکه ۵۰ماده شیمیایی دیگر نیز از آن زدایدند. گلخانه آتشین با گاز دی‌اکسیدکربن نیز سلامت زن را نشانه رفته‌است.

دانه آسپ

در سال ۱۹۸۵ دکتر جو فارمن انگلیسی برای نخست‌بار در باره سوراخ لایه آوزون گزارش داد. گزارش جو فارمن یک‌پیکان شیوه زیبایی زن را نشانه رفته‌است.

به انگیزه ۱۶ سپتامبر

شرافت اُزن



افزایش میزان گازهای گلخانه‌ای نیز همانا نازک‌تر شدن بیشتر لایه از آن را در پی دارد.

در میانه سده بیست میلادی پژوهشگران دریافتند انتشار برخی آلانیده‌ها در زمین، سبب نابودی لایه از آن (سیر انسان) می‌شود؛ در چند دهه، انتشار گاز CFC میزان زیادی از لایه آن را در دسترس و از تراکمش در استرا-توسفر زمین کاسته‌است.

ایستگاه اندازه‌گیری در ژاپن و کره-جنوبی نقش مهمی در شناسایی گاز ی نقش مهمی در شناسایی گاز ی مرعوز داشته‌اند؛ به گفته پژوهشگران، خاستگاه بالا رفتن یک ماده ویرانگر شیمیایی در اتمسفر که برای لایه آن ویرانگر است، در چین کشف شده‌است

*** ماده شیمیایی دی-کلرو-متان صنعتی تولید PVC و دارو و ضد عفونی‌کننده، قاتل آن است**

*** دانشمندان هشدار می‌دهند که پدیده گرم‌شدن زمین می‌تواند تا ۳۰ سال خورشش‌ها برای تر میع لایه را به پسرقت دچار سازد**

*** پرتو و رابنفش می‌تواند سبب سستی رشد گیاهان و آسیب به ساختار ژنتیکی موجودات زنده شود**

نکرش به کهکشان را در گردیس ساخت. او پس از گذشت ۲۵ سال از کشفش گفت که جهان همچنان حجم بالای تولیدات چین، زمینیه‌ساز افزایش دی کلرو متان است. چین بزرگترین تولیدکننده پی وی سی در جهان، مسئول تولید ۵۰ تا ۶۰ درصد حجم دی-کلرو-متان در جهان است و هند در پله دوم ایستاده است؛ و تنها

برای ترمیم سوراخ آن را به پسرقت دچار سازد. رف و انسان‌ها، پوشش گیاهی و جانوران در زمان کوتاهی تبارشان نابود خواهد شد. اینک که این لایه آسیب دیده، پرتوهای فرابنفش روی زمین تابندگی بیشتری یافته و سبب آفتاب سوزنخی و چنگار پوست و ناتوانی مکانیزم دفاعی و ایمنی بدن و

آب مرارید در انسان می‌شود و سامانه زیست‌بومی (اکوسیستم) در پهنه جهان دچار ناهماهنگی شده‌است.

پرتو و رابنفش می‌تواند سبب سستی رشد گیاهان و آسیب به ساختار ژنتیکی موجودات زنده شود. در کشتزار برنج با از میان‌بردن باکتریهای پایدرا نیتروژن، سبب کاهش فراوردهای کشاورزی شو.

پرتو و رابنفش A باعث گذر از لایه ازن وارد پوست بدن انسان می‌شود و پیری زودرس می‌آورد.

پرتو فرابنفش B آسیب‌زاترین گونه این پرتوهاست که تا اندازه زیادی در ژرفای آب رخته می‌کند و می‌تواند فیتوپلانکتون‌ها و سخت‌پوستان شناور در رویه دریاها را نابود سازد. این ریزمو موجودات آب‌های جنوبگان، زنجیره‌ای از غذاهای دریایی ماهیان بزرگ و همچنین بالن‌ها را تشکیل می‌دهد که پیامدش برای صیادان، ماهی‌باز هم کمتر خواهد بود.

یاری

پس از آذرخش(رعوبسرق) می‌توان آسان‌تر نفس کشید و هوای تر-تاز-های به شش‌ها فرستاد؛ سببش هم آن است که آذرخش، موجب پیشش گاز ازن در اتمسفر زمین می‌شود.

هر انسانی خوب است آذرخش باشد و به آن نجیب‌شانسن زندگی دوباره بدهد.

حتی کاستن استفاده از گوشت، کمکی به احوال لایه ازن است چرا که کاهش خوردن گوشت از میزان کنش‌های پرورش چهارپایان می‌کاهد و تجزیه سرگین دامداری‌ها، سبب تولید اکسیدهای ازت نخواهد شد.

خوب است از فروشگاه‌های محلی خرید کرد که سبب آمدوشد اندک و استفاده کمتر از خودرو و موتور در سفرهای دورن شهری می‌شود.

استفاده از سامانه‌های الکترونیک نوین، موجب می‌شود فعالیت‌های بانکی در خانه انجام شود و نیاز به آمدوشد کم‌تر در درون شهر باشد.

استفاده از فروشگاه‌های محلی موجب می‌شود فعالیت‌های بانکی در خانه انجام شود و نیاز به آمدوشد کم‌تر در درون شهر باشد.

خوب است از فروشگاه‌های محلی خرید کرد که سبب آمدوشد اندک و استفاده کمتر از خودرو و موتور در سفرهای دورن شهری می‌شود.

کاهش مصرف سوخت در وسایل گرمایشی، کمک بزرگی به لایه از به شمار می‌رود. با کم‌کردن در بهنجاری یا یک‌م‌کم می‌توان کمی از فاجعه دور شد.

از سوزاندن آشغال‌های خودداری کرد چرا که موجب آزادشدن گازهای گلخانه‌ای می‌شود؛ پی‌گمان کاهش تولید زباله را هاکار خوبی‌ست.

دکتر ابرهیمی پورنجانی، مدرس علوم کشاورزی، هر سال تنها یک ۱۶ سپتامبر در سالما و جود دارد در حالی که درام‌پردازانی سال، ازن آزار می‌بیند. سازمان ملل می‌گوید با توجه به اهمیت روز ۱۶ سپتامبر در ربمائی از لایه ازن و آغاز همبستگی کشورها در این زمینه، این روز را بساری توجه‌دادن مردم به لایه ازن اگر دانشمسان کند تا بلکه بتوان انگیزه‌های پژوهش در این زمینه را فراهم آورد

و آرای دانشمندان را گرد آورد و با دانش روز، راهکارهای نامکشوف را یافت و از ویرانی بیشتر آن کاهید.

علی درویشی

گزارش



اُزن، جامه، خودرو

در کشورهای پیشرفته حذف، تخلیه و کنترل دستگاه‌های خنک‌کننده‌ای که گواهی و پرچسب پیشگیری از تخریب لایه از آن یا منع تولید هیدروکربن‌ها را دارد از سوری مهندس و تکنسین انجام می‌شود.

هر کسی برای جاگذاری یا کنترل خنک‌کننده لازم است گواهی پیشگیری از تخریب لایه از آن داشته باشد. برای این هدف، دوره‌ای یک روزه را می‌گذارند و با دریافت ۵۰ درصد نمره قبولی در امتحان پایانی و پرداخت شهریه، گواهی دریافت می‌کنند. اگر کسی نتواند این دوره را با موفقیت پشت سر بگذارد گواهی خود را از وزارت محیط زیست و تغییرات آب و هوایی دریافت خواهد کرد که تا ۵سال اعتبار دارد.

شهروندان برای دریافت مجوز جاگذاری و کنترل خنک‌کننده‌ها، دوره آموزشی آگاهی‌رسانی محیط‌زیست را می‌گذارند. این دوره یک روزه است و از سوری سازمان‌های گرمایش سرمایش و تهویه مطبوع تایید شده و با همکاری کالج‌ها برگزار می‌شود.

میانگین استفاده از لباس در برخی کشورهای دارامند کوتاه است و هزاران جامه در کمدهاشان آویزان است اما آنان با آزمندی باز هم لباس می‌خرند.

اگر از جامه‌های کم‌دهنه خود خسته‌اید، آن‌ها را با جامه‌های دوستان و فامیل تاخت‌بزند یا به کسی ببخشند یا تغییراتی به روز کنید ولی هرگز آن‌ها را در طبیعت رها نکنید یا در کمدهای خانه کلکسیون جامه ایجاد نکنید.

بازار لباس‌های مدروز همیشه داغ است ولی یک لباس روز با سیاست‌های پشت پرده، زود کهنه می‌شود تا نواها جایش را بگیرد. بسیاری از مردم جیب برای چنین بریز و پاش‌ها ندارند و ترسمی هم ندارند که از جهان مد واپس بيفتند؛ آن‌ها حتی باارده خود با سست می‌کنند تا از غلغله مد جا بمانند و مد به راه خود ادامه دهد؛ اما برخی دیگر از مردم کشته-سرده‌مند و یک جامه برای آن بیش از دوهفته جذابیت ندارد.

بی‌گمان دگرذیسی پرشتاب مد، ویرانگری زیستگاه طبیعی دور بر ما را در پی داشته است که چندان بی‌شایعت به فاجعه نیست. کارخانه‌های تولید لباس، مواد شیمیایی سسمی روانه رودخانه‌ها و دریاها می‌کنند، کشاورزان برای کشت بنیه مورد نیاز برای تولید جامه از آفت‌کش‌های استفاده می‌کنند و برای تولید یک تی‌شرت باید هزاران گالن آب هدر رود؛ اما چنین تی‌شرتی پس از چندروز مدکهنه می‌شود و یک فروشنده ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه روشنای زیستگاه‌های طبیعت را فرو کاهیده‌است. مدگرایی بیرون ناوَر می‌گوید که مدتی ست جامه دوست، آشنا و فامیل را به بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد اگر کسی از راه‌زاهی ناخوشایند و سیاه صنعت مد آگاه باشد از مدگرایی دوری خواهد کرد. اینک تبلیغات مد چنان نیرومند است که می‌تواند نادراها را هم وادار به پیروی از مد سازد. برندهای مشهور مدروز را مادم در گرنا می‌کنند تا بیشتر بفروشند. در این سال‌ها در یک بازه زمانی ۱۵ ساله، صنعت مد توانسته فروش خود را به مرز ۶۰ درصد افزایش برساند. اما کمی ناواری شخصی می‌تواند ما از چاه مدگرایی بیرون بیاورد تا ببینم شکوفای مد چگونه

تاریخ

بازگشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسّف و تأثر در گذشت همسر و پدر مهربان، برادری ارجمند، پزشک عالیقدر، مرحوم مغفور **شادروان دکتر نجم‌الدین فرهاد** را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.

به‌همین مناسبت مراسم ختم آن عزیز از دست‌رفته روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۱۹ ساعت ۶/۳۰ تا ۱۷/۳۰ در مسجدجامع شهر غرب واقع در میدان صنعت برگزار می‌گردد.

از طرف خانواده‌های: فرهاد، یآوری، قلنسویی و سایر بستگان

در نهایت تأسّف و تأثر در گذشت روانشاد مرحوم **آقای علی امام جمعه کاشان (امامی)** را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند.

مجلس ترحیم آن مرحوم روز چهارشنبه ۹۸/۶/۲۰ از ساعت ۵ تا ۶ بعدازظهر در مسجدالغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می‌باشد.

حضور شما موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

از طرف خانواده و بستگان

هوالباقی

قصه مرگ تو را ناگه شنیدن زود بود
در عزایت جامه را تن دریدن زود بود

آخرای یار همه‌ای مظهر مهر و وفا
در سرای جلودان منزل گزیدن زود بود

بانهایت تأسّف و تأثر در گذشت مرحوم مغفور، **شادروان حاج اکبر حیمی** را به اطلاع کلیه سروران گرامی می‌رسانیم.مراسم سوم آن مرحوم روز یکشنبه مورخ ۹۸/۶/۱۷ از ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰ بعدازظهر در مسجد امام‌سجاد(ع) واقع در نارمک، خیابان گلبرگ، خیابان مدائن جنوبی روبروی کوچه صفایی منعقد می‌گردد. حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحوم و بازماندگان خواهد شد.

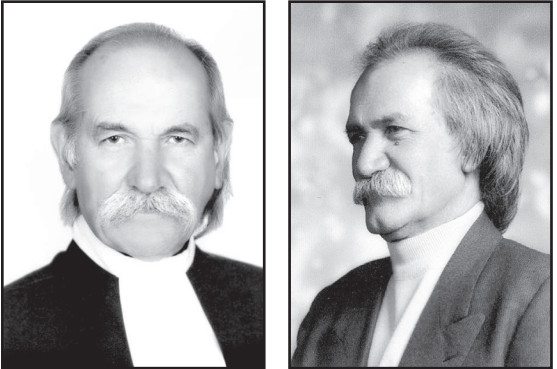
از طرف خانواده‌های رحیمی و الوند و فشمی و سایر بستگان

بانهایت اندوه و تأثر خبر در گذشت **آقای مهندس محسن کمره‌ای** از مدیران بازنشسته شرکت ملی گاز ایران را به استحضار می‌رسانیم.
مراسم ختم مرحوم در روز دوشنبه ۱۸ شهریور ماه از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در محل هتل اسپیناس پالاس واقع در سعادت آباد، میدان بهرود، خیابان عابدی برگزار می‌گردد.

شاپرک و شیمیا کمره‌ای
خانواده‌های سوگوار: کمره‌ای، جوادیان و سایر بستگان

یادبود

«یاقو»



اکنون ۹۸/۶/۱۷ پنجمین سالی است که در فراقت محزون و سر در گریبانیم و هیچ روزی بدون یادت بر مانگذشت، **تاج‌الدین عزیز** نوزدهم شهریور مصادف است باعاشورای حسینی در ایام سوگوارِ حضرت اباعبدالله الحسین(ع) در کنار هم گرد هم می‌آئیم و یاد گران مایهات را همراه یاد مادر، برادر و خواهر معظمتان را با منزلت گرامی می‌داریم روحتان شاد و با حضرت حسین مظلوم محشور باشید.

از طرف همسر و خانواده‌های: شریفی، تسلیمی‌ها، پیامی‌ها، زادلو و سایر بستگان

تسلیت

استاد ارجمند جناب آقای دکتر نوحی گرامی
بانهایت تأسّف ضایعه غم‌بار در گذشت برادر گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای روح پاک آن مرحوم علو درجات و مغفرت الهی و برای خانواده محترم صبر جمیل آرزو مندیم.

بیمارستان کیان

ترحیم

همکار گرامی سرکار خانم سمیه میرزایی مصیبت وارده را تسلیت می‌گوییم واز خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

اعضای تحریریه روزنامه اطلاعات:

آقایان:

آبی – آذرنیا – آقایی – امیری – بربدار – پورعالی – تبریزی – حیدرزاده – خانی – داودبیگی – درویشی – دین پرست – جلال – فرعی – رضا فریع – سام – رضوی – حبیب‌الله صادقی – طوسی نژاد – ظریف – صالح – قاسمی – فرزاند – فیضی – قاسمزاده – قطبی – قهرمانی – کاظمی‌میر – کرابی – کاظم‌لو – کیانی – مازوجی – میری خانی – میرزا آقاسی – نرجه – نفیسی – وِیژگان – یزدان پرست – هاشمیان – دوستی – دهقان – عبدالهی – نجفی – داهی آذر خانمها:

تیموری – ارمغان زمان فشمی – نذا زمان فشمی – گردان – نظری – مهدوی – واعظ‌محرابی – یارمحمدی – طاهری – رستم‌زاد – باقری نژاد

همکار گرامی سرکار خانم سمیه میرزایی

بانهایت تأسّف و تأثر درگذشت مادر بزرگ گرامیتان را به شما و خانواده محترم و داغدار تان تسلیت می‌گوییم.
از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.

همکاران ششمار در شعبه حرفچینی کامپیوتری – تصحیح

جناب آقای دکتر سلیمی‌پور
بانهایت تأسّف و تأثر مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، برای شما و خانواده محترم صبر و بردباری آرزو می‌نمایم.

«دکتر بیژن صدر عضدی»

جناب آقای دکتر سلیمی‌پور
بانهایت تأسّف و تأثر مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، برای شما و خانواده محترم صبر و بردباری آرزو می‌نماییم.

«هیئت‌مدیره و پزشکان بیمارستان تهران کلینیک»

جناب آقای دکتر خسرو فرهاد
بانهایت تأسّف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمائیم.
دکتر سیروس سامی‌زاده، دکتر پروین حبیبی‌مهر، دکتر مهتا سامی‌زاده، مهندس سام سامی‌زاده.

خانواده محترم
شادروان آقای دکتر محمد جهانی
باندوه فراوان درگذشت همکار عزیز و گرانقدرمان **آقای دکتر محمد جهانی** را به شما تسلیت عرض نموده واز خداوند منان برای آن شادروان رحمت واسعة الهی و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

مدیرعامل – هیئت‌مدیره – پزشکان و پرسنل بیمارستان مدائن

«هوالباقی»
هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما
بانهایت تأسّف درگذشت شادروان **دکتر محمود مسعودی** را خدمت همسر، اخوان و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.

از طرف: مدیرعامل، هیئت‌مدیره، مدیریت و پرسنل بیمارستان البرز

«هوالباقی»
سعیدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش به نیکویی نبرد
باکمال تأسّف درگذشت زنده **یاددکتر محمود مسعودی** انسانی والا و خدوم را حضور همسر محترم ایشان سرکار خانم فریبا برمند و برادران گرامیشان و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و خود را در غم ایشان شریک می‌دانیم.

دکتر مسیح سیدمدنی و بانو دوست و همکار محترم
جناب آقای دکتر سعید چناری
درگذشت مادر گرامیتان **مرحومه سرکار خانم طوبی روشنائی** را به شما تسلیت عرض نموده واز خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

از طرف: دکتر قوام و دکتر شکیبایی

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن – سهامی خاص ثبت شده به‌شماره ۴۷۷۶۱۴/ شناسه ملی ۱۴۰۵۱۶۸۹۰۷ شناسه ملی ۱۴۰۵۱۶۸۹۰۷ می‌شود که اصالتاً یا کالتاً در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۹ صبح مورخ سی و یکم شهریورماه دود هشت (۱۳۹۸/۰۶/۳۱) در نشانی قانونی شرکت واقع در تهران – خیابان شهیدمهدی – خیابان قائم‌مقام‌راهانی، کوچه میرزا حسینی – پلاک ۲۳ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۲-مطالب متفرقه که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده می‌باشد.

هیئت‌مدیره شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.

هیئت‌مدیره شرکت توسعه و راهبری و ندا ویستا (سهامی خاص)

آقای دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولید انرژی پان سمن (سهامی خاص) – شماره ثبت ۴۶۵۲۱۵/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱/ شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۲۹۵۱ می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ در محل واقع در استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، گاندی، خیابان پنجم، خیابان گاندی، پلاک ۱۷، ساختمان ۱۷، خیابان آذری، طبقه دوم واحد ۱۰ بدستی ۱۵۱۷۶۴۲۱ تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

۱-تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹

۲-انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۳-انتخاب بازارس شرکت

۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

۵-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده باشد.



حسین
حسینی
صفحه ۷



ای آموزگار بزرگ
شهادت
صفحه ۷



در فضیلت
روژه خوانی
صفحه ۶



تحریرات واقعه
تاریخی کربلا
صفحه ۵



تحلیل قیام
عاشورا
صفحه ۲



عاشورا در اندیشه
امام خمینی
صفحه ۳

از بیانات مقام معظم رهبری

عاشورا و عزاداری



عقل، عزت، عاطفه

سه عنصر در حرکت حضرت ابی عبدالله (ع) وجود دارد: عنصر منطقی و عقل، عنصر حماسه و عزت، و عنصر عاطفه... ما مبلغان، زیر نام حسین بن علی تبلیغ می کنیم. این فرصت بزرگ را یاد این بزرگوار به مبلغان دین بخشیده

است، که بتوانند تبلیغ دین را در سطوح مختلف انجام بدهند. هر یک از آن سه عنصر باید در تبلیغ ما نقش داشته باشد؛ هم صرف پرداختن به عاطفه و فراموش کردن جنبه منطقی و عقل که در ماجرای حسین بن علی (ع) نهفته است، کوچک کردن حادثه است، هم فراموش کردن جنبه حماسه و عزت، ناقص کردن این حادثه عظیم و شکستن یک جواهر گرانبهاست؛ این مسأله را باید همه - روضه خوان، منبری و مداح - مراقب باشیم.

(در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه ماه محرم ۸۴/۱۱/۵)

در مجالس عزاداری ماه محرم، این سه ویژگی باید وجود داشته باشد: ۱. عاطفه را نسبت به حسین بن علی و خاندان پیغمبر (ع) بیشتر کند. (علقه و رابطه و پیوند عاطفی را باید مستحکم تر سازد). ۲. نسبت به حادثه عاشورا، باید دید روشن و واضحی به مستمع بدهد. ۳. نسبت به معارف دین، هم ایجاد معرفت و هم ایجاد ایمان - ولو به نحو کمی - کند. نمی گوییم همه منبرها باید برخوردار از همه این خصوصیات باشند و به همه موضوعات بپردازند؛ نه، شما اگر یک حدیث صحیح از کتابی معتبر را نقل و همان را معنا کنید، کفایت می کند.

(در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه ماه محرم - ۷۳/۳/۱۷)

چشمه جوشان عاطفه

هم در خود حادثه و هم در ادامه و استمرار حادثه، عاطفه یک نقش تعیین کننده ای ایجاد کرده است، که باعث شد مرزی بین جریان عاشورایی و جریان شیعی با جریان های دیگر پیدا شود. حادثه عاشورا، خشک و صرفاً استدلالی نیست، بلکه در آن عاطفه با عشق و محبت و ترحم و گریه همراه است. قدرت عاطفه، قدرت عظیمی است؛ لذا ما را امر می کنند به گریستن، گریاندن و حادثه را تشریح کردن. زینب کبری (س) در کوفه و شام منطقی حرف می زند، اما مرثیه می خواند. امام سجاد بر روی منبر شام، با آن عزت و صلابت بر فرق حکومت اموی می کوبد، اما مرثیه می خواند. این مرثیه خوانی تا امروز ادامه دارد و باید تا ابد ادامه داشته باشد، تا عواطف متوجه بشود. در فضای عاطفی و در فضای عشق و محبت است که می توان خیلی از حقایق را فهمید، که در خارج از این فضاها نمی توان فهمید.

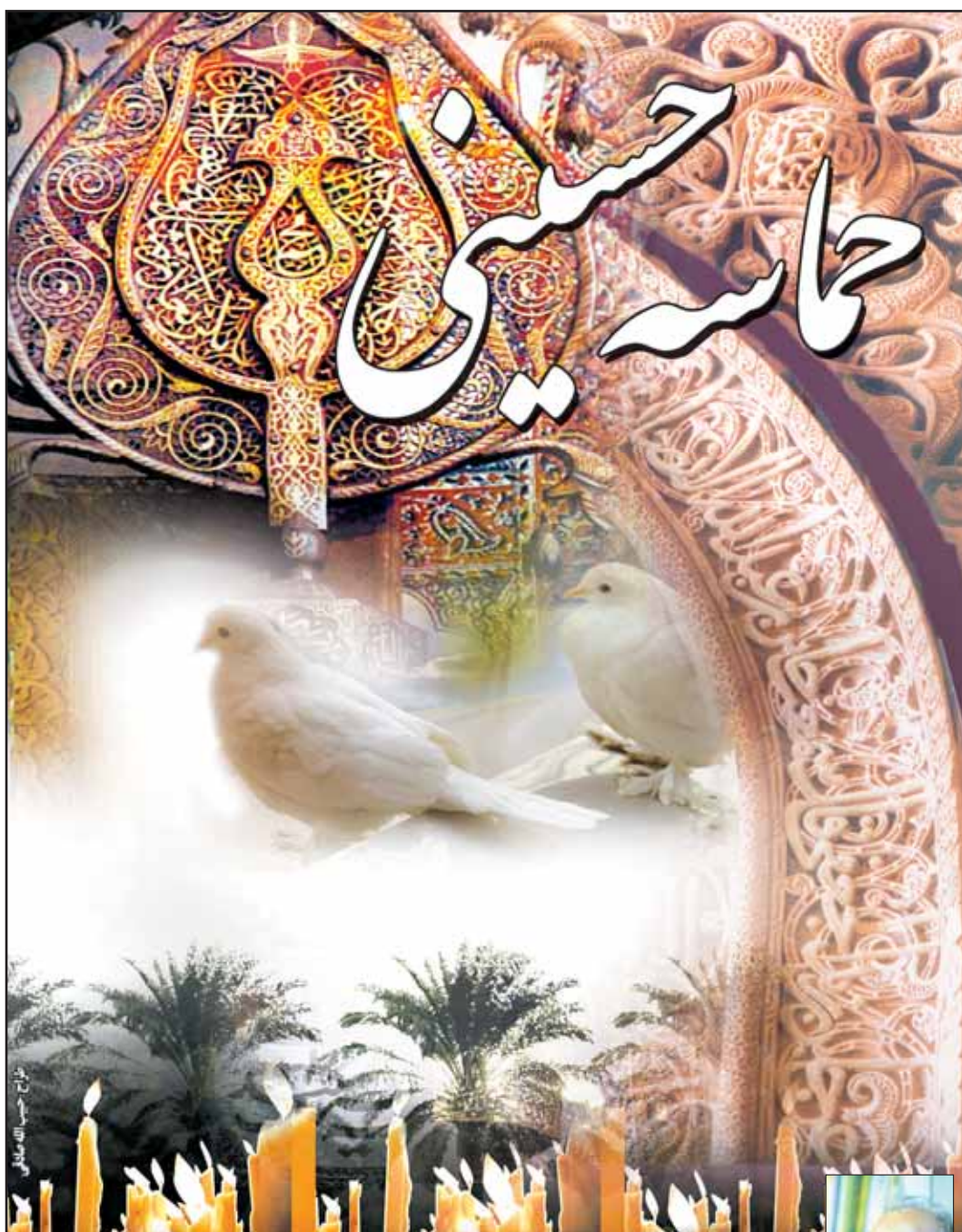
(در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه ماه محرم ۸۴/۱۱/۵)

بیان ماجرای عاشورا، فقط بیان یک خاطره نیست. بلکه بیان حادثه ای است که دارای ابعاد بی شمار است. پس، یادآوری این خاطره، در حقیقت مقوله ای است که می تواند به برکات فراوان و بی شماری منتهی شود. لذا شما ملاحظه می کنید که در زمان ائمه (ع)، قضیه گریستن و گریاندن برای امام حسین علیه السلام، برای خود جایی دارد. مبادا کسی خیال کند که در زمینه فکر و منطق و استدلال، دیگر چه جایی برای گریه کردن و این بحث های قدیمی است! نه. این خیال باطل است. عاطفه به جای خود و منطق و استدلال هم به جای خود، هر یک سهمی در بنای شخصیت انسان دارد.

(در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه ماه محرم - ۷۳/۳/۱۷)

این همان چشمه جوشانی است که از ظهر روز عاشورا شروع شد؛ از همان وقتی که زینب کبری (س) - طبق نقلی که شده است - بالای «تل زینیه» رفت و خطاب به پیغمبر عرض کرد: «یا محمداه، صلی علیک ملوک السماء هذا حسینک مرمل بالدماء، مقطع الاعضاء، مصلوب العاهه و الزداء». او خواندن روضه امام حسین علیه السلام را شروع کرد و ماجرا را با صدای بلند گفت.

بقیه در صفحه ۲



حوادث کربلا



دکتر سید جعفر شهیدی

داریم بدین سان:

شب که بامداد آن پدرم کشته شد من بیمار بودم و عمه ام زینب پرستار من بود. پدرم در حالی که این بیت ها را زمزمه می کرد نزد من آمد:

یا دهر افک من خلیل
کم لک فی الإشراف والأصیل
من طالب و صاحب قتیل
والدهر لا یقنع بالبدیل
و انما الأمر الی الجلیل
و کل حی سالک سبیل

من مقصود او را از خواندن این بیت ها دریافتم، و گریه گلویم را گرفت، اما گریه خود را باز داشتم، و دانستم مصیبت فرود آمده است. لیکن عمه ام زینب چون بیت ها را شنید طاقت نیاورد و بانگ برداشت. اما در سندی دیگر نوشته اند که این بیت ها را امام روز دوم ورود به کربلا خواند.

آنچه را در آن روزهای دردناک بر خاندان پیغمبر و دوستان آنان رفته است، در کتاب زندگانی سید الشهداء که جزو همین سلسله کتاب ها است خواهید خواند. پسین روز دهم محرم پس از آن که دیوانگان کوفه دیگر مقاومتی پیش روی خود ندیدند، به سر وقت زنان و کودکان رفتند و دست به غارت گشودند.

بقیه در صفحه ۲

کتاب الله علیهم القتل فیروز الی مضاجعهم کاروان پس از بیرون شدن از شهر مکه به ترتیب، در منزل های تنعیم، صفاح، ذات عرق، حاجز بطن رهم، زرد، ثعلبیه، زباله، بطن عقبه، شراف، ذوحسم، عذیب الهجانات، قصر بنی مقاتل فرود آمده و در نینوی بار افکنده است.

در این مسافت دراز گاهگاه به مناسبت رسیدن اخبار از کوفه و پرخوردهای بین راه، چند تن از خویشاوندان و یاران امام طرف گفتگوی آن حضرت قرار گرفته اند، اما به هیچ وجه نامی از علی بن الحسین (ع) دیده نمی شود. پس از گذشتن از قصر بنی مقاتل در بین پیمودن راه، امام را خوابگونی های می رباید، و پس از بیداری استرجاع می کند. علی بن الحسین (الاکبر) از او سبب می پرسد، و امام می گوید: «به خواب دیدم کسی می گفت که این کاروان به استقبال مرگ می رود.» آیا این نیز قرینه ای دیگر نیست که امام سجاد در این سفر دوازده و یا سیزده ساله بوده است؟

باری، شخصیت مورد بحث ما در کدامیک از این منزل ها به بیماری گرفتار شده معلوم نیست. تنها از شب دهم محرم است که خبری از او در دست



ماجرایی که می‌خواستند مکتوم بماند. خواهر بزرگوار امام، چه در کربلا، چه در کوفه و چه در شام و مدینه، با صدای بلند به بیان حادثه عاشورا پرداخت. این چشمه، از همان روز شروع به جوشیدن کرد و تا امروز همچنان جوشان است. این حادثه عاشورا است. (در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آستانه ماه محرم - ۷۳/۳/۱۷)

مداحی رایج در بین ما، یک حرفه‌ی دو جانبه است؛ فقط آوازخوانی و شعرخوانی نیست؛ ترکیب هنرمندانه‌ای از این دو مقوله است. البته من نمی‌دانم این شیوه از چه زمانی باب شده؛ از زمان صفویه است، از قبل از اوست، از بعد از اوست. به‌رحال امروز در جامعه‌ی ما رواج دارد. صدای خوش، آهنگ مناسب و شعر، سه رکن کار است. خود این شعر هم دو بخش دارد: یک بخش لفظ، یک بخش مضمون. اگر چهار پایه‌ی اصلی مداحی - یعنی صدای خوش، آهنگ درست، لفظ خوب و مضمون حقیقی متناسب با نیاز - کامل باشد، بهترین وسیله‌ی تبیین است و تأثیرش از منبر و درس فقهی‌ای که ما می‌گوییم بیشتر است.

بقیه از صفحه اول

حمید بن مسلم که یکی از گزارش نویسان حادثه و از شاهدان عینی روی داده است چنین گوید: لشکریان به سر وقت علی بن الحسین رفتند. او بیمار افتاده بود. شمر خواست وی را بکشد، بدو گفتم سبحان الله. شما کودکان را هم می‌کشید؟ در این هنگام عمر بن سعد رسید و گفت کسی به چادر زنها نرود، و این کودک بیمار را آسیب نرساند... هر که چیزی از مال اینان ربوده برگرداند و پیدا است که کسی به قسمت اخیر گفته او ترتیب اثر نداده است. نیز حمید بن مسلم گوید:

علی ابن الحسین بمن گفت: خبر ببینی به خدا سوگند که خدا با گفته تو شری را از سر من باز کرد. طبری نویسد: عمر سعد علی بن الحسین را که بیمار بود همراه اسیران به کوفه روانه کرد. تاریخ نویسان و نویسندگان سیره و فراهم آورندگان اسناد دست اول، از گفتگوها و آنچه روز دهم محرم رفته، جز فقره‌های کوتاه ثبت نکرده‌اند، اما در نوشته‌های محدثان و تذکره نویسان شیعی گزارشهای بیشتری دیده میشود. قسمتی از این گزارش‌ها را در کتاب زندگانی سیدالشهدا علیه السلام خواهید خواند. آنچه با این کتاب مناسبت دارد این است که ابن قولویه در کامل الزیارة از امام علی بن الحسین آورده است: چون مصیبت‌های روز عاشورا را - از کشته شدن پدر و خویشاوندان، تا اسیری خود و کسان خود - دیدم سینه‌ام تنگ شد. عمه‌ام زینب پرسید: - برادر زاده تو را چه می‌شود؟

- چرا نالان نباشم کشته‌های ما این چنین در بیابان افتاده است. عمه‌ام زینب از ام ایمن حدیثی روایت کرد که به زودی مردمی می‌آیند که از حکومت‌های خود نمی‌ترسند. آنان بر مزار پدربرت علامتی بر پا خواهند کرد که با گذشت روزگار از میان نمی‌رود باری اسیران را به کوفه روان کردند.

نوشته‌اند هنگام بردن اسیران از کربلا به کوفه برگردن علی بن الحسین (ع) غل جامعه نهادند و چون بیمار بود، و نمی‌توانست خود را بر پشت شتر نگاهدارد هر دوپای او را بر شتر شکم شتر بستند.

در بیت‌های زیر از دعبل خزاعی شاعر مشهور نیز از بسته بودن امام در غل و نیز بیمار بودن او سخن رفته است:

یا جد ذانجل الحسین معلل
و معلل فی قیده و مصفد
یرنو الوالده و یرنو حاله
و بنو امیه فی العمی لم یهتدوا

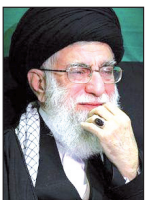
خوارزمی نیز نوشته است:
علی بن الحسین را که بیماری تن او را لاغر کرده بود دست و گردن به آهن بسته به کوفه در آوردند. چون مردم کوفه را دید که گریه می‌کنند، گفت:

- اینان به خاطر ما می‌گریزند؟ پس چه کسی ما را کشته است

اما بلاذری در یکی از روایت‌های خود چنین نویسد: پسر زیاد برای آوردن علی بن الحسین جایزهای معین کرده بود. چون او را یافتند و نزد وی بردند از او پرسید:

- نامت چیست؟

عاشورا و عزاداری



در منبر مداحی حتما در اول، فصلی اختصاص بدهید به نصیحت یا بیان معارف به زبان زیبای شعر. اصلا رسم مداحی از قدیم این طوری بوده است؛ الا آن یک مقدار آن رسم‌ها کم شده. مداح در اول منبر یک قصیده، یک ده بیت شعر - کمتر، بیشتر - فقط در نصیحت و اخلاق، بسا الفاظ زیبا خطاب به مردم بیان می‌کرد؛ مردم هم می‌فهمیدند و اثر هم می‌گذاشت. من یک وقت گفتم که گاهی شعر یک مداح از یک منبر یک ساعتی ما اثرش بیشتر است. البته همیشگی نیست؛ گاهی است. اگر خوب انتخاب و اجرا شود، این طوری خواهد بود.

چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم، استفاده‌ی از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معناست، که گاهی هم مضر است. فرض کنید راجع به حضرت ابوالفضل (سلام‌الله‌علیه) صحبت می‌شود؛ بنا کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن؛ مثلاً قریون چشمش بشم! مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش ابوالفضل به چشمهای قشنگش بوده؟! اصلا شما مگر ابوالفضل را دیده‌اید و می‌دانید چشمش چگونه بوده؟! اینها سطح معارف دینی ما را پایین می‌آورد. معارف شیعه در اوج اعتلاست.

من شنیده‌ام در مواردی از آهنگ‌های نامناسب استفاده می‌شود. مثلاً فلان خواننده طاغوتی یا غیر طاغوتی شعر عشقی چرندی را با آهنگی خوانده؛ حالا ما بایبیم در مجلس امام حسین و برای عشاق امام حسین، آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خوانند؛ این خیلی بد است. خودتان آهنگ بسازید. این همه ذوق و این همه هنر وجود دارد. یقیناً در جمع علاقه‌مندان به این جریان کسانی هستند که می‌توانند آهنگ‌های خوب مخصوص مداحی بسازند؛ آهنگ عزاء، آهنگ شادی.

(در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت - ۱۳۸۴/۰۵/۰۵)

لحاف پوشاندن من به خواب رفتن تا بانگ سواران در کوچه بیدارم کرد. پس ما را نزد یزید بردند. یزید چون ما را چنان دید گریست پس هر چه می‌خواستیم به ما داد. و مرا گفت بزودی مردم شهر تو دست به کاری خواهند زد (وقعه‌ حره) تو با آنان همراه باش.

این نوشته‌های مکرر را برای آن می‌آورم که خوانندگان بدانند گزارشگران، روی دادی را به چند گونه باز گفته‌اند. نیز بدانند در طول زمان چگونه سندها به سود خاندان اموی دستکاری شده است. «علی بن الحسین گفت چون به کوفه در آمدیم مردی ما را دید و به خانه خود برد و با لحاف پوشید». این سیره نویس هیچ بدین نمی‌اندیشید که چگونه اسیری که پایش در زنجیر و گردنش در غل بسته است می‌تواند به خانه کسی برود و در آنجا زیر لحاف بخوابد. بر فرض که بگوئیم او را زنجیر نکرده بودند، مأموران همراه وی که از کربلا به کوفه آمدند چگونه بدو رخصت می‌دادند تا هر کجا می‌خواهد برود. از اینها گذشته چگونه ممکن است اسیران را از خانه این مرد یکسره نزد یزید برده باشند؟! عجیب تر از اینها غیبگویی یزید است که گفت: «بزودی مردم شهر تو دست به کاری خواهند زد تو با آنان مباش». یزید از ناپلیدی به کار سیاست روزانه کشور خود نا آشنا بود و اگر نا آشنا نبود دست به چنان کارهای بی نتیجه نمی‌زد. این سیره نویس او را سیاستمداری روشن بین می‌شناسد که حادثه سال بعد را هم پیش بینی می‌کند.

از میان این گزارشهای گوناگون، چنان که اشارت شد، داستان پنهان شدن علی بن الحسین (ع) در خانه مردی از شهر کوفه به هر صورت که باشد، پذیرفتنی نیست؛ زیرا پسر سعد و سپاهیان او با خاندان امام حسین (ع) کاری کردند که حکم اسلام درباره کافر حربی مقرر داشته است! «کسانی را که به حد بلوغ رسیده‌اند باید کشت و زنان و کودکان آنان را اسیر باید کرد». آنان به هنگام حرکت از کربلا اسیران را دست و گردن بسته کوچ دادند و سربازان را بر آنان گماردند. میداد کسی بگیرد، و همچنان آنان را به کاخ پسر زیاد بردند.

در مجلس پسر زیاد - چنان که نوشتیم ظاهراً گفت و گو کوتاهی میان او و امام علی بن الحسین (ع) رفته است؛ زیرا این گفت و گو در چند سند - هر چند کلمات آن یکسان نیست دیده می‌شود -

اما به هنگام در آمدن اسیران به شهر کوفه و از مدخل شهر تا قصر پسر زیاد چه حادثه‌هایی رخ داده سندهای دست اول چون طبری، یعقوبی، و دیگران در این بباره اطلاعات فراوانی به ما نمی‌دهند.

به راستی هم از آنان نباید متوقع بود، چه اولاً این رویدادها را جزئی می‌دانسته و در خور نوشتن نمی‌دیده‌اند! دیگر این که تاریخ‌های دست اول در دوره حکومت عباسیان و شدت سختگیری آنان به خاندان علی (ع) نوشته شده و این خود موجب برای نانوشتن بسیاری از گفت و گوهاست؛ مگر آنجا که موافق خواست حکومت باشد و نیز طبیعی است که با گذشت سالیان دراز بسیاری حادثه‌ها که در حافظه راویان انباشته بوده فراموش گردد.



حوادث کربلا

پسر زیاد گفت: او را بگذارید همراه زنان خود باشد و این اثر دنیاله گفتگو را چنین آورده است: علی خاموش ماند. پسر زیاد پرسید چرا خاموشی؟ وی گفت:

- خدا هر کسی را به هنگام رسیدن اجل او می‌کشد. هیچ انسانی جز به امر خدا نمی‌میرد. - به خدا سوگند تو هم از آنان هستی. ببیند این پسر بالغ است یا نه. گمان دارم مردی شده است. مری بن معاذ احمری گفت آری بالغ است. - او را بکش! علی بن الحسین گفت: - پس چه کسی سر پرست زنان خواهد بود؟ و زینب خود را بدو آویخت و گفت اگر بخدا ایمان داری از تو می‌خواهم مرا با او بکشی. و علی گفت:

- اگر تو را با این زنان خویشی است، مرد پرهیزگاری را همراه آنان کن که رفتار مسلمانی داشته باشد.

پسر زیاد لختی نگریست و چنین گفت: پیوند خویشی چه پیوندی است! بخدا دوست دارد با او کشته شود. این کودک را بگذارید همراه زنان باشد.

اما زبیری که نوشته او قدیم تر از سندهای یاد شده است، داستان را چنین آورده است:

علی بن الحسین گوید: پس از آن که عمر سعد گفت کسی متعرض این بیمار نشود، مردی از آنان مرا پنهان کرد و گرمای داشت و هر گاه که بر من در می‌آمد و یا بیرون می‌شد می‌گریست، چندان که گفتم اگر در کسی خیری هست، در این مرد است. تا این که جارچی پسر زیاد بانگ برداشت: هر کس علی بن الحسین را بیاورد، بدو سیصد درهم می‌دهیم. همین مرد نزد من آمد و می‌گریست. پس دستهای مرا به گردنم بست و می‌گفت می‌ترسم. آنگاه مرا دست به گردن بسته نزد آنان برد و سیصد درهم گرفت. و مرا نزد پسر زیاد بردند. پرسید نامت چیست؟ ...

و شمس الدین محمد ذهبی در این باره روایتی دارد که خواندنی است:

علی بن الحسین گوید: چون به کوفه در آمدیم مردی ما را دید و به خانه خود برد و مرا با

- علی بن الحسین؟
- مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟
- برادری داشتم او را علی می‌گفتند. مردم او را کشتند!

- نه. خدا او را کشت! این را بکشید!
در این هنگام زینب بانگ بر آورد که آنچه از خون ما ریختی برای تو بس است و اگر می‌خواهی او را بکشی مرا هم با او بکش! پسر زیاد دست از او باز داشت. خوارزمی می‌نویسد:
پسر زیاد به علی بن الحسین نگریست و گفت:

- کی هستی؟
- علی بن الحسین!
- مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟
علی ساکت ماند.
- چرا پاسخ نمی‌دهی؟
- برادری داشتم که او را علی می‌گفتند مردم او را کشتند (یا آن که گفت شما او را کشتید). و روز رستاخیز از شما بازخواست خواهد کرد.

- نه خدا او را کشت!
علی در پاسخ خواند:

الله یتوفی الانفس حین موتها و ما کان لنفس إلا أن تموت یاذن الله کتابا مؤجلا تو هم از آنان هستی. بنگرید که بالغ شده است؟ مروان بن معاذ احمری گفت: آری.

او را بکش. علی در این وقت پرسید؟ پس این زنان را چه کسی سر پرستی می‌کند و زینب خود را بدو آویخت و گفت: پسر زیاد، خونی که از ما ریختی برای تو بس است. از خون ما سیر نشدی؟ و به گردن علی آویخت و گفت:

پسر زیاد، تو را به خدا سوگند می‌دهم اگر او را می‌کشی مرا نیز با او بکش. علی بن الحسین گفت:
- عمه خاموش باش تا من با او سخن بگویم. سپس گفت پسر زیاد، مرا از کشتن می‌ترسانی؟ نمی‌دانی که کشته شدن، شعار ما و شهادت کرامت ماست؟

با این که بیش از هزار و سیصد صد سال از واقعه جانسوز عاشورا می‌گذرد، اما هنوز عاشورا چشمه جوشان حماسه و آزادی و رمز جهاد پایدار برای ماندگاری آیین الهی است. آیینی پیام‌آور توحید و عدل و در خور شأن والای انسان، تا به برکت شعور خدادادی و شور حقیقت‌خواهی، شایسته جانشینی پروردگار در زمین گردیده، جان او تجلی گاه توحید و عدل شود.

«عبدالله العلامی» از علمای اهل سنت در توصیف عاشورا می‌نویسد: «شیعیان، مراسم یاد بود عاشورا را برای پند گرفتن و یادآوری بر پا می‌دارند و آن مراسمی بس بزرگ است، زیرا این مراسم یادآور پندها و درس قهرمانی جهاد و فداکاری در راه دین بوده و با یاد آن قهرمانان، روح بلند پرورش می‌یابد. امروز برگزاری این مراسم از لازمترین وظایف در این مرحله از انقلاب ماست».

بانگاهی به سخنان امام خمینی (قدس سره)از پیش از انقلاب اسلامی تاکنون، به‌خوبی درمی‌یابیم که معظم له کلیه رفتارها و موضع گیری‌های خود را بر اساس آن واقعه تنظیم و عملی نموده است؛ زیرا فرهنگ عاشورا، فرهنگی همه جانبه است که ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی، عرفانی، نظامی و... را در بر می‌گیرد. اندیشه زندگی امام خمینی نیز این گونه بوده و دارای ابعاد مختلف یاد شده است.

در یک جمله می‌توان گفت که امام خمینی تمام هویت انقلاب اسلامی را به عاشورا گره زده و می‌فرماید: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.»

درس‌های عاشورا از منظر امام خمینی
۱-نفی اندیشه جدایی دین از سیاست:
یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های سیاسی عاشورا مساله پیوند و ارتباط دین و سیاست است .

امام حسین علیه السلام با حضور اجتماعی و قیام علیه حکومت، در حقیقت درصدد دخالت در سیاست‌بود و همین مساله را به عنوان یک تکلیف جهت حرکت و نهضت‌خویش قرار داد. امام برای خود یک ضرورت می‌دانست که برای سست نمودن پایه‌های حکومت‌ستمگران و برقراری حکومت عدل الهی تلاش کند و همین امر از مهم‌ترین مشخصه‌های یک اقدام حکومت‌سیاسی است . امام خمینی با الهام از این حرکت امام حسین(ع) نسبت‌به مسایل جامعه حساس بود و در برابر ستم‌ها و ظلم‌های رژیم پهلوی قیام نمود و مردم و جهان اسلام را به حمایت از دین خدا دعوت کرد.

حضرت امام همواره معتقد بود که جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون مبتلا به این اندیشه منحرف سکولاریزم (جدایی دین از سیاست) بوده که در دوره اخیر به اوج خود رسیده است: «این یک نقشه شیطانی بوده است که از زمان بنی‌امیه و بنی عباس طرح ریزی شده است و بعد از آن هم هر حکومتی که آمده است تایید این امر را کرده است و اخیراً هم که راه شرق و غرب به دولت‌های اسلامی باز شده، این امر در اوج خودش قرار گرفت که اسلام یک مساله شخصی بین بنده و خداست و سیاست از اسلام جداست و نباید مسلمان در سیاست دخالت کند و نباید روحانیون وارد سیاست‌بشوند» .

امام درحقیقت‌بالهام‌گیری‌ازحرکت‌سیاسی-دینی عاشورا در صدد پاسخ گویی به سؤالات ذیل بود که امروز حکومت اسلامی الگویی جهت ملل مستضعف برگزیده است:

– آیا دین داری، خداپرستی به مرزهای سیاست محدود می‌شود؟

– آیا پیامبران و اوصیای الهی از دخالت در امور سیاسی احتراز می‌نمودند؟ و آیا انجام رسالت‌بزرگ آنان مبتی بر اقامه قسط عدالت اجتماعی بدون دخالت در امور سیاسی ممکن است؟

امام خمینی ریشه این تز انحرافی را یک توطئه تاریخی دانسته که در صدد تغییر روند تاریخ دینی بوده است. ایشان می‌فرماید: «طرح مساله جدا بودن سیاست از روحانیت، چیز تازه‌ای نیست. این مساله در زمان بنی امیه طرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت. در این زمان‌های اخیر هم که دست‌های بیگانه در ممالک باز شد، آنها هم به این مساله دامن زدند، به طوری که مع الاسف

بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باور شان آمده است...» .

امام خمینی در یک بر آورد صحیح، اهداف این سیاست‌شیطانی را بیان کرده و همگان را به توجه و تامل در آن دعوت نموده است .

این اهداف و آثار عبارتند از:

الف: استعمار، استثمار و استضعاف ملت‌ها ب: محدود شدن فقاقت‌به احکام فردی و عبادی در منطق نا آگاهان
پ: غفلت از آیات سیاسی – اجتماعی قرآن



را این گونه اعلام می‌نماید: «اللهم انک تعلم انه لم یکن ماکان منا تنافسا فی سلطان و لا التماسا من فضول الحطام، ولكن لنری المعالم من دینک و تظهر الاصلاح فی بلادک» یعنی: خدای من، تو می‌دانی آنچه از ما صادر شد به انگیزه رقابت در سلطنت و تمنای زیادی‌های دنیا نبود، بلکه برای این بود که نشانه‌های آشکر دین تو را بنگریم و اصلاح را در سرزمین‌های تو آشکار سازیم. امام خمینی قدس سره این عبارت حضرت اباعبدالله علیه السلام را به عنوان مؤیدی برای اثبات بحث ولایت فقیه خود آورده و با استناد به آن می‌فرماید:«مضمون روایت‌شاهد بر این است که از لسان معصوم صادر شده و مضمون صادقی است».

بر این اساس بسیاری از سخنان حضرت امام خمینی در جهت اصلاح جامعه و آن را نه تنها وظیفه خود، بلکه وظیفه هر فرد دیگری می‌دانست. ایشان می‌فرماید: «کوشش کنید که

عاشورا در اندیشه امام خمینی

سیدمهدی فاطمی



و بسیاری از ابواب فقهی)

ت: مطرح شدن ارزش منفی برای روحانیون سیلسی
ث: تاخت و تـ ساز آمریکا و ابرقـدت‌ها در بلاد مسـلمین

۲-عدالت اجتماعی

آنچه پس از دوران نبی مکرم اسلام تازمان شهادت امام حسین(ع) مطرح بوده، این است که چه آفت‌هایی سبب شد تا حکومت‌سلطنتی اموی بر مسلمانان حاکم شود؟ چگونه ارزش‌ها و مقدساتی که در جامعه ریشه دوانده بودند، به تدریج رنگ باختند و به شـعارهای ظاهری و بی‌محتواتبدیل شدند؟

پاسخ اجمالی همه این سؤال‌ها عدم وجود عدالت اجتماعی است. ایجاد نظام طبقاتی، تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی سبب شد تا حکومت‌سلطنتی اخلاقی و سیاسی جامعه نیز متحول شود و پذیرش معیارها و اصول اقتصادی مکتب اسلام برای مردم میسر نگردد. امام حسین (ع) یکی از اهداف قیام خود را عدالت اجتماعی دانسته و در خطبه‌ای این گونه بیان می‌دارد: «...و یا من المظلمون من عبادک...» یعنی: ... [یکی از اهداف این است که] ستم‌دیدگان از بندگان تو امنیت یابند» .

مسلم است که این عدالت و امنیت زمانی تحقق عینی پیدا خواهد کرد که ستم و ستمگران نابود شده و عدالت اجتماعی حاکم گردد.

امام خمینی (قدس سره) هم به تبع جدش امام حسین علیه السلام در مقابل ستمگران زمان خود قد علم کرده و ضمن مبارزه‌ای جانانه می‌فرماید: «زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب‌الامر و زندگی همه انبیای الهی این معنا بوده است که می‌خواستند در مقابل جور، حکومت عدل را درست و بر پا کنند». «سید الشهدا وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی در بین مردم در حرکت می‌کند، تصریح می‌کند که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، به مردم ظلم می‌کند، باید مقابلس بایستد و جلوگیری کند... و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: هر که ساکت‌بنشیند و تغییر ندهد این را، جایش همان یزید [حاکم ستمگر] است...» .

۳.اصلاح اجتماعی امت اسلامی
امام حسین (ع) در خطبه‌ای، انگیزه قیام خود

نهی از منکر کنم.»

«انگیزه این بوده که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرد. انحرافات، همه از منکرات است. غیر خط مستقیم توحید هر چه هست، منکرات است. این باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش و انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود، من جمله قضیه حکومت جور».

«سیدالشهدا همه عمرش و همه زندگی اش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومت‌ها در دنیا ایجاد کردند، صرف نمود و تمام زندگی اش را صرف این کرد که حکومت جور بسته بشود و از بین برود، معروف در کار باشد و منکرات از بین برود» .

۵- فرهنگ آزادی و آزادی و کرامت انسان‌ها

تمام اصحاب فداکار سیدالشهدا در واقعه کربلا از انسان‌های آزاده‌ای بودند که ذلت و خواری و تمنیات دنیسوی و مادی لحظه‌ای در جوهره و ماهیت آنها جای نداشت.

این گروه که در برابر سپاه سی هزار نفری یزید کمترین ترس به خود راه ندادند، تا آخرین لحظه مقابل دشمنان ایستادند و جنگیدند و به فیض شهادت نایل آمدند.

عقیله بنی هاشم، پرچمدار پیام کربلا در مقابل حکومت جور و ظلم یزید با وجود تحمل مصائب بسیار، ضمن مقاومت و ایستادگی، به افشاگری حکومت وقت پرداخت و فرمود: «...ای یزید! به خدا سوگند [با این جنایت‌ها که انجام دادی] نشکافی مگر پوست‌بدن خود را و پاره پاره نکردی، مگر گوشت خود را... گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند، بلکه آنها زنده‌اند و در پیشگاه پروردگارشان روزی می‌خورند.

این را هم بدان، آن کسانی هم که کار را برای تو فراهم ساخته و تو را بر گروه مسلمانان سوار نمودند، به کیفر خود خواهند رسید و بدانند که ستمگران را بد کیفری در پیش است...»

قدر و مقام تو را بسیار پست می‌دانم... بدان که رای و تدبیرت سست و روزگارت اندک و انگشت‌شمار و جمعیت تو رو به پراکندگی است، در روزی که منادی خدا فریاد زند: «لا لعنة الله علی الظالمین» ؛ همانا لعنت‌خدا بر ستمکاران باد.»

امام خمینی هم از نسل همین انسان‌های آزاده و دلاور بود. او هرگز لحظه‌ای زیر بار ظلم و ستم ظالمین نرفت و با تحمل زندان، تبعید، خطرات جانی، شـهادت فرزند و... دشمن را به زانو در آورده و می‌فرماید: «من اکنون قلب خود را برای سر نیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام، ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جبارهای شما حاضر نخواهم بود» .

«ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد. ماهی که خون بر شمشیر پیروز گشت، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ بطلان بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد. ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، ماهی که باید آزادی خواهان، استقلال طلبان و حق گویان بر تانک‌ها و مسلسل‌ها و جنود ابلیس غلبه کنند و کلمه حق باطل را محو نماید» .

ارزشهای مشترک عاشورا و انقلاب اسلامی

امام خمینی قدس سره با تأسی به قیام خونبار عاشـسـورا، توانست نهضت عظیم خود را به ثمر برساند و مجدداً به احیای ارزش‌های فراموش شده توفیق یابد. نمونه‌هایی از ارزش‌های مشترک که این دو نهضت مقدس (عاشورا و انقلاب اسلامی) به آنها راحت‌بخشید، عبارت‌ند از:

۱. احیای روحیه آزادی و ذلت ناپذیری
۲. شجاعت و شهامت و پرهیز از مصلحت اندیشی و راحت‌طلبی
۳. احیای روحیه شهادت‌طلبی
۴. احیـا و تحقـق فریضه امر به معروف و نهی از منکر
۵. ایمان به جهاد فی سبیل الله
۶. مقاومت و پایداری و پشتکار در راه مبارزه
۷. احیای جنبه‌های اخلاقی، مروت،

ایثار و ...



یکشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۸

سال نود و چهارم

شماره ۲۷۳۷۴

اطلاعات

۳





یکشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۸
سال نود و چهارم
شماره ۲۷۳۷۴
اطلاعات
۴

حرکت کشتی نجات آدمیان، احتیاجی به دریا ندارد. این کشتی بر روی فطره اشکی مقدس که برای حسین ریخته می شود، می گذرد؛ اشکی که از اعماق دل برآید و جان را بشوراند و آنگاه آن را رهسپار پیشگاه اقدس خداوندی نماید. ای حسین، ای فرزند شریف ترین انسان! ای معشوق جان های شیفته حق و حقیقت! وای امید حیات پاکان اولاد آدم! داستان خونین تو در دشت سوزان نینوا، قرن ها پیش از آن که چشم به این دنیا باز کنیم، به وقوع پیوسته است. چنین بود که ما گروهی از کاروانیان گذرگاه حیات پر معنی، به حکم جریان نظم زندگی در جویبار زمان، از دیدار جمال زیبای ربانی تو و یاران بی نظیرت محروم گشتیم. آن یاران باوفایی که با شکوفایی درخشان ترین سعادت و فضیلت انسانی، چهره ای برافروختند و با آن بال و پری که از اعمال جانشان روییده بود، در چند لحظه از تنگنای عالم خاک به اوج عالم پاک به پرواز در آمدند. افسوس که از تقدیم جان در آن طبق اخلاص که در آن روز خونبار، جان ۷۲ تن انسان کامل را به پیشگاه الهی عرضه کرد، محروم ماندیم.

باین حال، سپاس بیکران خدا را که از آن گروه نابخرد نبودیم که نشستند و عهده بستند و تو را برای اقامه حکومت حق و عدالت به سرزمین خود عراق دعوت نمودند و در آن هنگام که گام بر سرزمین آنان نهادی، نابخردانه عهد هاشکستند و به انکار صدها نامه که شخصیت خود را در گرو آن گذاشته بودند، برخاستند و آنگاه با شمشیرهای بران خود، بر تو و یاران تو تاختند و در آن روز پیش از آن که آفتاب سپهر لاجوردین از دیدگاه ساکنان زمین ناپدید گردد، خورشید عالم افروز وجود تو را از دیدگان مردم دنیا پوشاند. غافل از آن که هرگاه جمال ابدیت نمای تو

تحلیل قیام عاشورا

داده اند، ولی حق اهمیت و عظمت آن را به جانیاورده اند؟ به نظر می رسد چند علت مهم برای اهمیت ندادن به این حادثه بزرگ وجود دارد:

علت یکم: بدان جهت که این واقعه شگفت انگیز احتیاج به شناخت ابعاد و سطوح بسیار متنوع، مانند معارف و علوم انسانی، دین و اخلاق دارد.

علت دوم: ممکن است فهم حادثه مورد تحلیل، نیازمند پیگیری علل و عوامل دور و نزدیک و نتایج و رویدادهای همزمان بوده و رابطه ای باحادثه داشته باشد و شخص محقق نتواند از عهده چنین پیگیری برآید. **علت سوم:** در آن صورت که شناخت همه جانبه حادثه موجب شود، شخص محقق از برخی معتقادات خود دست بردارد؛ قطعی است که چنین محقق به شناخت همه جانبه علاقه ای نخواهد داشت. با توجه به این علل است که می بینیم اغلب نویسندگان توفیق بررسی و تحلیل و تحقیق این حادثه شگفت انگیز و سازنده را پیدا نمی کنند.

مادر این مورد سخی بانو بسنده فاضل و محقق کتاب «امام حسین در ایران»، کورت فریشلر آلمانی داریم که به وسیله ذبیح الله منصوری ترجمه شده است. این مرد محقق باین که تتبع و تحقیقات و استنباط های بسیار خوب و مفیدی از داستان امام حسین (ع) داشته است، این داستان بسیار با عظمت را گسیخته از ریشه ها و عوامل قبلی، مورد تحقیق و تتبع قرار داده است. به طوری که اگر کسی اطلاعاتی از جریانات ماقبل سال ۶۱ هجری نداشته باشد، گمان می کند داستان شگفت انگیز نینوا در مقطعی از تاریخ اتفاق افتاده است که هیچ حادثه ای پیش از آن وجود نداشته است! همچنین در جایی از این کتاب می بینیم که از زبان امام حسین (ع)



علامه محمد تقی جعفری



به فرزند می گوید: «سالها من دست روی دست گذاشتم و در صدد بر نیامدم که با اساس ظلم مبارزه کنم و حق را اعلام نمایم، ولی مدتی بعد از سکوت تصمیم گرفتم که قیام کنم.» در صورتی که آنچه در تاریخ می بینیم، این است که هنگامی که امام حسین (ع) از دنیا رفت، شیعه در عراق حرکتی کرده و به حسین (ع) نوشتند که آنان بیعت معاویه را شکسته و با او (حسین) بیعت خواهند کرد. آن حضرت امتناع فرموده، تذکر داد که میان او و معاویه تا مدتی تعهد و پیمانی بسته شده است و او نمی تواند آن تعهد را نقض کند تا آن مدت بگذرد و اگر معاویه هلاک شود، تصمیم خواهد گرفت.

ملاحظه می شود که امام حسین (ع) در برابر ظلم دست روی دست نگذاشته و در صورت امکان مبارزه با ظلم، سکوت نغرموده است. این که نقل شده است ابوهزه را ذی، امام حسین (ع) را در راه کوفه دید و از آن حضرت پرسید: «ای پسر پیامبر خدا، چرا از حرم خدا و حرم جدت بیرون آمدی؟» فرمود: «با باهره بیتی امیه مالی را گرفتند، صبر کردم، اهانتم کردند، صبر نمودم، خواستند خونم را بریزند، خود را نجات دادم و سو گندبه خدا گروهمی ستمگر مرا می کشند و خداوند آنان را در ذلت و پستی و شمشیر بران فراگیر غوطه ور می سازد و بر آنان کسی را مسلط می سازد که آنان را ذلیل کند؛ ذلیل تر از قوم سبا...» (لهوف، ص ۶۲)

با توجه به این که دلایل بسیار قوی وجود دارد که امام حسین (ع) هرگز از اصل «احدی الحسنیین» روی گردان نشده است، این مسأله کشته شدن در راه خدا برای او حل شده بود؛ لذا این داستان صحیح به نظر نمی رسد و بر فرض صحت، صبر آن حضرت برای یکسری مصائب شخصی بود، مانند صبر امام حسن مجتبی (ع)، نه این که با داشتن قدرت، دست روی دست گذاشتن در مقابل ظلم.

علت چهارم: که شاید با اهمیت ترین علت باشد، این است که شخص متفکر و محقق در رویارویی باین حادثه، با حقایقی مانند ایمان، عشق، احساس مسئولیت بزرگ در برابر انسان ها و اعتقاد راسخ به خدا و ابدیت، رو به روست که یکی از طرفین حادثه (امام حسین و یاران او) واجد این حقایق، در حد اعلی بوده اند. در صورتی که طرف دیگر (یزید و یزیدیان)، منطقی جز خودخواهی و خودکامی و ظلم و تجاوز نداشته اند. شخص محقق هر اندازه هم که بخواهد در مقابل این دو منطق «حق محض» و «باطل محض»، بی طرفی و تماشاگری بی تأثیر و انتخاب کند، امکان پذیر نیست. همین تأثیر شدید داستان نینوا بوده که در طول تاریخ موجب حرکت جدی فردی و اجتماعی مردم به سوی

هدف های تکاملی شده است.

آری، دقتی ژرف و بسیار لازم است تا تأثیر ملموس و ناملموس حرکت حسینی را در عرصه ارزشهای انسانی درک و دریافت نماییم. در این حادثه تقابل انسانیت با ضد انسانیت، شخص محقق دو بعدی نهایت عظمت و کمال و پستی و سقوط بی نهایت را چنان آشکار و با خطوط و اشکال نمایان خواهد دید که توانایی سکوت و تماشاگری بی طرف را از دست خواهد داد؛ زیرا محال است یک محقق و متفکر خردمند که واقعا با انسان و انسانیت آشنایی نزدیک دارد، در شعاع جاذبیت فوق طبیعی حسین (ع) قرار نگیرد و همه می داند که قرار گرفتن در جاذبیت چنین شخصیت بزرگ الهی همان و اجتناب از حیوان منشی و مقام پرستی و سلطه گری و شهرت خواهی و به عبارت کلی تر، اجتناب از هر گونه خودخواهی ها همان و چندانک اندافزادی که برای قرار گرفتن در شعاع جاذبیت فوق طبیعی، از امور مزبور اجتناب نمایند.

عامل دوم: آگاهی هر چه بیشتر از اصول کلی و ثابت و قضایای جزئی و متغیر حیات انسانی در حادثه

برای درک اهمیت این عامل، بایستی دو بعد اساسی رویدادهای تاریخی را در نظر داشته باشیم.

بعد اول: نمودها و جریانات جزئی و متغیر حوادث است که عبارت است از تسلسل طولی آن رویدادها با علل و معلولات فیزیکی و حوادث همزمان آنها. تاریخ از این دیدگاه، مرکب از نمودهای فیزیکی و جزئی و متغیر است که مانند محسوسات جزئی و متغیر زمان حاضر است که ما آنها را تا مدتی کم و بیش مشاهده می کنیم و به وسیله تعقل و ابسزار از آنها بهره برداری می نماییم و به جهت همین جزئی بودن و دگرگونی دائمی آنهاست که تاکنون از اطلاق علم به نمودشناسی حوادث فیزیکی تاریخ خودداری شده است.

بعد دوم: اصول و قوانین کلی و ثابت وقایع تاریخ است که بدون توجه دقیق به آنها برای تطبیق و تفسیر و توجه به آن وقایع، نمی توان از آنها بهره برداری نمود. این اصول و قوانین بر دو دسته مهم تقسیم می گردند: **دسته یکم** - اصول و قوانین درجه اول از نظر وسعت دایره و فراگیری آنها، مانند عامل محرک تاریخ، زیربنای اصلی قواعد علوم انسانی، مانند قواعد کلی و ثابت حقوق، اقتصاد، سیاست و اخلاق. به عنوان مثال: این که عالم محرک تاریخ مرکب است از: ۱- هر حقیقت سودمند واقعی برای انسان ها، ۲- مدیریت انسان درباره زندگی خود. **دسته دوم** - اصول و قوانین درجه دوم: اصل تقسیم حقایق سودمند به حقایق مادی و معنوی و اصول ناشی از تحلیل هر یک از آن حقایق کلی. مانند قواعد کشاورزی، اخلاقی، سیاسی و حقوقی. **عامل سوم:** برخورداری از دریافت طعم واقعی آن اصول و ارزشهای والای انسانی که در سطوح و ابعاد مختلف آن حادثه وجود دارد.

این عامل از دیدگاه آن سطحی نگران که از انسان و تاریخش چیزی جز یک حیوان پیچیده با آثار طبیعی که از او بروز کرده و سلسله ای پیوسته به نام تاریخ را به وجود آورده است، درک نمی کنند؛ نه تنها اهمیتی ندارد، بلکه اصلا برای مورخ نباید مطرح شود. کورت فریشلر در صفحه ۲۵۸ از کتاب «امام حسین و ایران» از کار کورات، محقق آلمانی چنین نقل می کند: «مورخ وقتی که به یکی از افرادی که در تاریخ از آنها نام می برند، علاقه مند شود، دیگر مورخ نیست، بلکه مؤمن است». این نظر به باید تحلیل شود، نه این که اگر مقصود مارکوات این است که شخص مورخ، ایمان خود را به یک فرد در حادثه، در شکل و صورت و عوامل آن حادثه دخالت بدهد، این کار غلط است؛ زیرا نمود حادثه که در عرصه هستی نمودار گشته، خود همان حادثه است که به دنبال علل معین در تاریخ شکل گرفته است، نه تمایلات و عقاید شخص مورخ. و اگر منظور مارکوات این است که هرگز نباید در بررسی وقایع تاریخی، ارزشیابی و داوری صورت بگیرد، این نظر مورد قبول نیست؛ زیرا اگر ما تکلیف متفکران را در سرگذشت بشر در این کار منحصر کنیم که نمود حوادث را پشت سرهم بیان کنند و برای معاصران و آیندگان آنها را ارائه نمایند و آیندگان هم آن حوادث را بخوانند، یعنی آن حوادث را تماشا کنند و هیچ داوری و ارزشیابی بر مبنای بایستگی ها و شایستگی ها انجام ندهند. در این صورت باید اساسی ترین منبع اصول و قوانین «حیات معقول» انسان ها و ارزشها و ضد ارزشهای آن را از دیدگاه علوم انسانی حذف کنند و فلسفه تاریخ، تحلیل تاریخ و استنتاج از تاریخ را در تماشای مقداری حوادث بی جان که مانند یک مشت وقایع تصادفی در گذشته صورت گرفته است، خلاصه کنند! توصیه به بی طرفی محض در حوادث تاریخ، مخصوصاً در آن نوع از وقایع که بشر را می تواند تحت تأثیر قرار بدهد، مساوی حذف اصول و مبانی از علوم انسانی و در آوردن آنها به صورت شناخت های فیزیکی جانوران است!

البته بعید به نظر می رسد که منظور مارکوات این توصیه بوده باشد. همان طور که علاقه و ایمان و اصول پیش ساخته مورخ، حتی تحلیل کننده و فیلسوف تاریخ نیز نباید کوچک ترین نقشی در جمع آوری حوادث و شکل واقعی آنها داشته باشد. همچنین باید هدف از کوشش مورخان، وادار نمودن مردم به تماشای رژه رویدادها، با صرف بیهوده وقت و انرژی مغزی آدمیان بوده باشد.

و انگیهی اگر کار متفکران در تاریخ منحصر در این باشد که فقط حوادث را برای انسان ها ارائه بدهند، اکثریت مردم، خود آن حوادث را تفسیر کنند؛ همه مختصات و نهادها و استعداد های بشری تلقی کرده و در نتیجه از آنچه واقع شده است، اگر چه ظالمانه و ناروا و پر خطا باشد، «انسان چنین باید» و «ذات و ماهیت انسان چنین است» را به دست خواهند آورد؛ یعنی چنین گمان خواهند کرد: چون «ذات و ماهیت و مختصات انسان چنین است»، پس باید به مقتضای این شناخت، «باید و شاید» ی او نیز منظور گردد!

با تلخیص

اشاره:

امام حسین (ع) و نهضت پر شور عاشورا در اندیشهٔ استاد شهید مرتضی مطهری، از جایگاه ویژه‌ای بر خوردار بود. دغدغه استاد در معرفی این نهضت به حدی بود که بارها موضوعات سخنرانی مهم و بارزش ایشان را به خود اختصاص داد. نهضت عاشورایی امام حسین (ع)، بسا انگیزه‌آور به معروف و نهی از منکر و باهدف برقراری عدل و عدالت و در نهایت برای نجات اسلام و مبارزه باطغیان بود. آن همه گریه برای سیدالشهدا و عزاداری برای سید مظلومان نیز، برای زنده نگه داشتن این مکتب جهاد و شهادت و حفظ ارزش هاست. اما متأسفانه در طول تاریخ، تحریف‌هایی، چه در انگیزه‌ها و اهداف و چه در چهره‌های حماسه‌ساز و بر نامه‌های مربوط به عاشورا انجام شد. کتاب‌هایی که به عنوان مقتل نوشته شد و روضه‌هایی که برای عاشورا گفته و خوانده شد، گاه چون بانگیزه گر پاندم مستمعان بود، آمیخته به مطالب ضعیف، غیر مستند و احياناً دروغ شد.

علاقه‌ای که به چهره‌های عاشورایی وجود داشت، سبب شد در حوادث آن حماسه، غلوها و مبالغه‌هایی نقل شود که غیر عقلی و باور نکردنی است. گاه آمار و ارقام کشته‌ها و برخی حوادثی که به ظاهر غم‌انگیز و سوزناک بود، بر اصل واقعه افزوده شد. انگیزه آن حماسه، گاهی تا حد کشته شدن برای شفاعت (!) تنزل یافت. نوع بر خوردهای امام حسین (ع)، حضرت زینب (ع) و امام سجاد (ع) و کودکان و اهل بیت، گاهی به صورت عجز و لایه و ذلت و حقارت در برابر فاسقانی چون یزید و عمر سعد و ابن زیاد و شمر درآمد و خواسته بزرگ امام در این میدان حماسه که ردییعت با حکومت جور بود، به در خواست جرعه‌ای آب برای لب عطشان خویش یا گلولی خشک علی اصغر نشان داده شد.

استاد شهید مرتضی مطهری از جمله اندیشمندانی است که این تحریفات را ریشه یابی کرده و به علل و عوامل آن از زوایای مختلف پرداخته است. استاد مطهری در خصوص این تحریفات معتقد است:

«برای مصیبت امام حسین و اهل بیتش (ع)، به خاطر آن همه زجرهای روحی و جسمی و ضربات شمشیر هان باید گریست، بلکه باید به خاطر مظلومیت و دروغ پردازی‌هایی گریست که مقام حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را متزل می‌کند.»

در این مجال و مقال، گزیده‌هایی از این تحریفات صورت گرفته را به نقل از کتاب «حماسهٔ حسینی» و «تحریفات عاشورا» نقل می‌کنیم.
چند نمونه از تحریفات
در برخی از این تحریفات اشاره شده که لیلیا مادر علی اکبر (ع) نذر کرده که اگر فرزندم سالم بماند، از کربلا تا مدینه ریحان خواهم کاشت، بعدها علما با سناد این مطلب وارد کردند. او لا حضرت در کربلا حضور نداشته، ثانیاً منطقه فی مابین کربلا و مدینه برای کشت ریحان بلامکان است، ثالثاً مسافت بین آن دو شهر سیصد فرسنگ است.

در جای دیگر نیز گفته اند: امام حسین (ع) در کربلا سیصد هزار نفر را کشته است. اگر فرض شود هر ثانیه یک نفر را بکشد، برای این تعداد هشتاد و سه ساعت و بیست دقیقه وقت لازم است. بعد دیدند این تعداد کشته با طول روز جور در نمی‌آید، لذا گفتند روز عاشورا هم هفتاد ساعت بوده است! همین طور دربارهٔ حضرت ابوالفضل (ع) گفته اند که بیست و پنج هزار نفر را کشت! که حساب کردم اگر در هر ثانیه یک نفر کشته شود، شش ساعت و پنجاه و چند دقیقه و چند ثانیه وقت می‌خواهد.

عوامل تحریف

به طور کلی عواملی وجود دارد که همواره تاریخ را دچار تحریف کرده است و این تحریفات تنها اختصاص به حادثه عاشورا ندارد. مثلاً همیشه اغراض دشمنان، خود، عاملی است برای اینکه حادثه‌ای را دچار تحریف کنند. دشمن برای اینکه به هدف و غرض خود برسد، تغییر و تبدیل‌هایی در متن تاریخ ایجاد یا تو جیه و تفسیر های ناروایی از تاریخ می‌کند و این نمونه‌های زیادی دارد که در تحریف واقعه کربلا هم این عامل دخالت داشته است.

عامل دوم تمایل بشر به اسطوره سازی و افسانه سازی است و این

در تمام تواریخ وجود دارد، افرادی که شخصیت آنها، شخصیت پیشوایی است، قول آنها، عمل آنها، قیام آنها، نهضت آنهاست و حجت است، نباید در سخنانشان، در شخصیتشان، در تاریخچه شان تحریفی واقع شود.

عامل سوم یک عامل خصوصی است. دو عامل پیشین در تمام تواریخ دنیا هست، ولی در خصوص حادثهٔ کربلا یک جریان و عامل خصوصی هست که سبب شده است در این داستان، جعل واقع شود. پیشوایان دین از زمان پیغمبر اکرم و ائمه اطهار دستور اکید داده‌اند که باید نام حسین بن علی (ع) زنده بماند، باید مصیبت حسین بن علی هر سال تجدید شود، چرا؟ این چه دستوری است در اسلام، چرا ائمه دین این همه به این موضوع اهتمام داشتند، و چرا برای زیارت حسین بن علی این همه ترغیب و تشویق است؟»

زنده نگه داشتن مکتب حسین

حسین (ع) مکتب عملی اسلام را تأسیس کرد. حسین، نمونهٔ عملی قیام‌های اسلامی است. خواستند مکتبش زنده بماند، خواستند سالی یکبار امام (ع) با آن انگیزه‌اش ظهور کند و برای همیشه زنده بماند. هر چه ما در این راه کوشش کنیم به شرط آن که هدف آن را تشخیص دهیم، بجاست. اما متأسفانه عده‌ای این را نشناختند، خیال کردند بدون این که مردم را با فلسفهٔ قیام حسینی و مکتبش آشنا کنند و مردم را عارف به مقامات حسینی کنند، همین قدر که آمدند و نشستند و نفهمیده و ندانسته گریه ای کردند، کفاره گناهان است. بعضی می‌گویند: هدف وسیله را مباح می‌کند. هدف که خوب باشد، وسیله هر چه باشد، شد! اینها هم گفتند: مایک هدف مقدس داریم و آن گریستن بر امام حسین (ع) است که کار خوبی است و باید گریست، به چه وسیله بگریانیم؟ گفتند،

اشک جاری می‌شود یا نه؟ همین قدر که اشک جاری شود اشکال ندارد، شیویر بز نیم، طبل بز نیم، به بدن مرد لباس زن بپوشانیم، عروسی قاسم بگیریم، جعل کنیم، تحریف کنیم؛ در دستگاه امام حسین (ع) این حرف‌ها مانعی ندارد. در نتیجه افرادی دست به جعل و تحریف این واقعه بزرگ زدند.

تاریخچهٔ با عظمت کربلا که به دست ما افتاده، هم دچار تحریف لفظی و هم دچار تحریف معنوی شده است؛ یعنی ما از خود مان ساز و برگ‌هایی بر پیکره این تاریخ ساخته‌ایم که چهرهٔ با عظمت و نورانی آن را تاریک و ظلمانی و قیافه زیبایی آن را زشت کرده است. هرگز نمونه‌ای از یک مکتب عملی در دنیا پیدا نمی‌شود که نظیر مکتب حسین بن علی (ع) باشد. اگر شما نمونهٔ حسین بن علی را پیدا کردید، آن وقت بگویید چرا ما هر سال فریاد حسین بن علی را تجدید کنیم.

نظیر آنچه که حسین بن علی در حادثه عاشورا، از ایمان کامل به جهان دیگر، از رضا و تسلیم، از صبر، از مردانگی، از طمأنینه نفس، از ثبات و استقامت، از عزت و کرامت نفس، از آزادی خواهی و آزادی طلبی، از اینکه در فکر انسان باشد، از اینکه در خدمت انسان باشد، اگر در دنیا نمونه‌ای پیدا کردید، آن وقت بگویید چرا ما نام حسین بن علی را زنده کنیم.

شرایط یک نهضت مقدس

اولین شرط یک نهضت مقدس این است که منظور و هدف آن شخصی و فردی نباشد، بلکه کلی، نوعی و انسانی باشد. به همین جهت کسانی که در دنیا حرکاتشان، اعمالشان و نهضت‌هایشان به خاطر شخص خودشان نبوده و برای بشریت و انسانیت، برای ایجاد حق و عدالت و مساوات و برای توحید و خداشناسی و ایمان بوده است؛ همه افراد بشر آنها را دوست دارند. همه می‌گویند: «حسین منی و انا من حسین.»



استاد شهید مرتضی مطهری

متجاوز کشته‌شد. اما چه کسی گفته حسین بن علی نغله شیده است، خون حسین بن علی هدر رفت؟ اگر در دنیا کسی را پیدا کنید که نگذاشت یک قطره از خونش هدر برود، حسین بن علی است. اگر در دنیا کسی را پیدا کنید که نگذاشت یک ذره از شخصیتش هدر برود، حسین بن علی است. مردی که برای قطره قطره خونش آن چنان ارزش قائل شد که نمی‌توان آن را توصیف کرد.

روز عاشورا

حضرت اباعبدالله در روز عاشورا، قبل از شروع جنگ دو سه خطابه بسیار عجیب و اثر گذار خواندند. امام برای ایراد یکی از آن خطبه‌ها از اسب پیاده شد و برای این که صدایش بهتر برسد، به مکان مرتفع تری رفت و فریاد زد: «تبالک ایته‌الجماعه و تر حاحین فصو حتمونا و اجفین» و لشکریان عمر سعد را نصیحت کرد. عمر سعد ترسید که نطق حسین لشکریانش را تحت تأثیر قرار دهد؛ لذا در نوبت بعد که اباعبدالله الحسین شروع به صحبت کرد، عمر سعد دستور داد فریاد کنید و به دهاتنان برنید تا صدای حسین را کسی نشنود. آیا این علامت شکست نیست؟ آیا این علامت پیروزی حسین نیست؟

حقیقت‌اربعین

اربعین که می‌رسد، همه این روضه‌رامی خوانند و مردم هم خیال می‌کنند این گونه است که اسرا و امام زین العابدین (ع) از شام به کربلا آمدند و در آنجا با جابر ملاقات کردند.

در صورتی که به جز در کتاب «لهوف»، که نویسنده اش، سید بن طاووس، در کتاب‌های دیگرش آن را تکذیب و لا اقل تأیید نکرده است، در هیچ کتاب دیگری چنین چیزی ذکر نشده است و هیچ دلیل

تحریفات واقعهٔ تاریخی کربلا



عقلی هم آن را قبول نمی‌کند. اما مگر می‌شود این قضایایی را که هر سال گفته می‌شود، از مردم گرفت، جابر اولین زائر امام حسین (ع) بوده است و اربعین هم جز زیارت امام حسین (ع) چیز دیگری ندارد. موضوع آن تجدید عزای اهل بیت نیست، آمدن اهل بیت به کربلا نیست، اصلاً راه شام از کربلا نیست، راه شام به مدینه، از همان شام جدا می‌شود. آن چیزی که بیشتر دل انسان را به درد می‌آورد، این است که در میان وقایع تاریخی کمتر واقعه‌ای است که از نظر نقل‌های معتبر به اندازه حادثه کربلا غنی باشد. من در سابق تصور می‌کردم که اساسا علت این که این همه دروغ در این واقعه ایجاد شده، این است که وقایع راستین را کسی نمی‌داند، اما بعد که مطالعه کردم، دیدم هیچ حادثه‌ای در تاریخ‌های دور دست، سیزده، چهارده قرن پیش، به اندازه حادّه کربلا تاریخ معتبر ندارد.

مورخان معتبر اسلامی از همان قرن اول و دوم قضا یا را با سندهای معتبر نقل کردند و این نقل‌ها بر یکدیگر انطباق داشته و به هم نزدیکند و قضایایی در کار بوده که سبب شده جزئیات این تاریخ و حادثه محفوظ بماند و هدفش شناخته شود که یکی از آنها این است که در این حادثه خطبه‌ی یاد خوانده شده است.

خطبه در آن زمان حکم اعلامیه امروز را داشت. همان طور که در این زمان، خصوصاً در جنگ‌ها اعلامیه‌های رسمی، بهترین چیزی است که متن تاریخ را نشان می‌دهد، در آن زمان هم خطبه‌ها این گونه بود؛ لذا خطبه، چه قبل از حادثه کربلا و چه در خلال آن و چه خطبه‌هایی که بعداً اهل بیت در کوفه، شام و در جاهای دیگر ایراد کردند، زیاد بود و هدف آنها از ایراد این خطبه‌ها این بود که می‌خواستند به مردم اعلام کنند چه گذشت و قضا یا چه بود و هدف چه بود و این خودش انگیزه‌ای بود تا جریانات آن واقعه نقل شود؛ ولی ما آن قدر چهرهٔ این حادثه تابناک تاریخی را مشوش نموده‌ایم (که بزرگ‌ترین خیانت به امام حسین است) که به کلی تغییر کرده است.

قطعا اگر امام حسین (ع) به عالم ظاهر بیایند، خواهند گفت: آن امام حسینی که شما در خیالتان ترسیم کرده‌اید من نیستم. آن قاسم بن الحسنی که تصور کرده‌اید، برادر زادهٔ من نیست. آن علی اکبری که در سست کربلا دید، جوان با معرفت من نیست. آن یارانی که ترسیم کرده‌اید، آنها نیستند. ما قاسمی درست کردیم که آرزویش فقط دامادی بوده، آرزوی عمویش هم دامادی او بوده. حال بیایم قاسم ذهن خود را با قاسمی که در تاریخ بوده است، مقایسه کنیم.

یکشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۸
سال نود و چهارم
شماره ۲۷۳۷۴

اطلاعات

۵



یکشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۸
سال نود و چهارم
شماره ۲۷۳۷۴
اطلاعات
۶



اشاره: در حالی که همزمان با برگزاری مراسم مختلف عزاداری سیدالشهدا(ع) و شهدای کربلا، برخی شبکه‌های مجازی با طرح ابهاماتی، شرکت در عزاداری برای مظلومانی که ۱۴۰۰ سال پیش به شهادت رسیده‌اند را زیر سؤال برده و یا حتی به تمسخر عزاداران می‌پردازند؛ بازخوانی مقاله‌ای از مهندس بازرگان در واکنش به همین گونه ابهامات که البته به بیش از ۶۰ سال پیش باز می‌گردد، خالی از لطف نیست.

البته کم‌محتوا شدن برخی از آیین‌های عزاداری و غلبه پاره‌ای از ظواهر و شور بر معرفت در کنار اقدامات خلاف اهداف روشنگرانه و ظلم ستیزانه ابا عبدالله(ع) توسط برخی مدعیان عزاداری، در تقویت این شبهه‌ها در اذهان جوانان امروزی تأثیر نبوده است.

سایت کتابخانه تاریخ اسلام و ایران با اشاره به مجله «ایمان» به مدیریت مرحوم محمود شهابی منتشر می‌شده، می‌نویسد: این نشریه طی دو سال، یعنی سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ ش منتشر شده و حاوی مقالات بسیار سودمندی در حوزه دین و ایمان است. این مقاله با نگاه کاملاً نو که محصول یک دوره تحول در اندیشه دینی -شیعی پس از مشروطه است، به نگارش درآمده است.

شماری از نخستین نویسندگان مذهبی دوره جدید تاریخ ایران پس از شهریور بیست در این نشریه قلم زده‌اند. از جمله آن مقالات یکی هم مقاله مهندس بازرگان است که در باره روضه خوانی نوشته است. این مقاله برای شناخت دیدگاه‌های ایشان آن هم در آن دوره اهمیت دارد. مقاله یاد شده در شماره دهم سال اول (دی ماه ۱۳۳۳) نشریه ایمان منتشر شده است.

در اینجا قصد نداریم تاریخ واقعه کربلا را از سر بگیریم یا از چگونگی و حکمت این شهادت بحثی به میان آوریم. از نتایج اجتماعی و دینی آن نیز چیزی نمی‌گوییم. می‌خواهیم این عمل روضه خوانی و عادت تعزیه‌داری را که میان شیعیان معمول است و با وجود ضعف عقائد و قوت مخالف هنوز علمش بر پا و آوازش رساست، مطالعه کنیم ببینیم آیا طبقه جوان و متمدن ماب کشور که به نظر تعجب و گاهی تمسخر به آن نگاه کرده، این بساط سیاه پوش

در فضیلت روضه خوانی

مگر اساس روضه‌خوانی‌های ما غیر از این است؟ به فرض که بر قضایای کربلا شاخ و برگ‌های زیادی بسته باشند یا اصلاً چنین واقعه‌ای در عالم رخ نداده، یک تراژدی بیش نباشد؛ بالاخره چیست؟ تجسم یک مشیت احساسات و فضایی است که به نظر هموطنان ما پسندیده می‌آید. سرتاسر تظاهرات حقانیت، شجاعت، شهامت، عزت نفس و بردباری است.

اطاعت و باوری را که به عالی‌ترین درجه امکان جمع شده است، نمایش می‌دهد. اصحابی را وصف می‌کند که نمونه انضباط بوده، اخلاص را به جانبازی رسانده با وجود یقین کامل به کشته شدن و ناکامی دنیا، دست از پیشوای خود بر نداشته، در میدان شهادت بر هم سبقت می‌جویند. برای انهدام این قوم قلیل که عظمت اراده و بلندی آرمان نیروی فوق‌العاده به آنها بخشیده است، حریف هزارها مرد جنگی گسیل داشته.

خانواده‌ای را نشان می‌دهد که خود مؤسس سلسله بوده، ملت عرب را از حال بردگی و درندگی به فرمانروایی دنیا سوق داده‌اند و حالا به عوض چشیدن میوه ریاست و بهره‌برداری فتوحات، دست از عقیده مطلق حق بر نداشته، با تمام عفت و بزرگی که برای ایشان فرض می‌شود؛ خود را تسلیم زنجیر اسارت و تفویض شمشیر اهانت می‌نمایند. در نهایت سختی دست از شکیبایی و عزت نفس بر نمی‌دارند. همانطوری که برای شخص نام برده رنج گنج میسر نمی‌شود، برای اقوام و ملل نیز هیچوقت ناداده شهید بقاء و عظمت حاصل نمی‌گردد.

تمام افکار بزرگ دنیا با جوهر خون در صفحات قلوب بشر نگاشته شده. سقراط حکیم اگر به دست خود هر حکومتی نمی‌نوشت، تعلیماتش شهرآفاق نمی‌شد. نشان صلیب که علامت مشخصه مسیحیت شده، برای آن است که انتشار مذهب عیسی(ع) را بسته به مصوبیت او بود. گالیله ایتالیایی چون دم از

گردش زمین زده و حاضر به اقرار جهل نگردید، خورش را ریختند. مگر انقلاب کبیر فرانسه و اعلامیه آزادی بشر، کم شهید فدایی داد؟

به طور کلی، بنای هر ایده بزرگ با استخوان‌های چند قربانی استوار گردیده است؛ زیرا طبیعت پدر ملل را بخیلی است که نفایس دانش و حقایق حکمت خزینه خود را آسان و رایگان به اولاد خویش نمی‌دهد. بالای گنج بیکران نشسته، خوش دارد کودکانش به سمت او بدوند. دست دراز کنند. شادی و شیرین زبانی‌ها کنند. بالاخره محروم برگردند. رنج و محنت برند تا گوشه‌ای از روزنه ذخائر را بنمایانند. دسست از مال و جان برداشته، دل و دین در راهش بیازد تا در کنار پذیرد. و تا جان شیرین در کف نهند، به کف دیگر گوهری نستانند. این شهادت، عالی‌ترین درجه مردانگی است و گرانه‌ترین تحفه زندگان حق است که نام شهید را با تجلیل بریم و روح ما به پرواز در آید. آیا باید خرده گرفت بر کسی که استراحت نفس را کنار گذارده، به استقبال مجلسی می‌رود که در آنجا صحبت صفات عالی و صف افکار پاک شهیدان به میان باشد و خود را خدمتگذار سالکان راه حقیقت بخواند؟ به فرض که چنین اشخاص با چنین



مهندس مهدی بازرگان

کیفیات، سابقه تاریخی نداشته باشند؛ آیا نظایر چنین احساسات هم در دنیا وجود داشته؟ به فرض محبت رفتگان آن هم رفتگانی به قول شما معجول یا بیگانه، ناروا باشد و سرگذشت آنها میخسته‌بازاران پیرایه، آیا عشق به کمال و شنیدن کمالات قابل ملامت است؟ چه ضرر دارد سالی چند روز در برنامه اشتغالات فکری انسان مختصر انصراف حاصل شده از تعاقب مطامع مادی به سوی مدارج خالص‌تری، موقتاً انحراف نماید. قدم در علمی غیر از علم خود پرستی و محیطی بالاتر از خواب و خوارک گذارد. اگر اهل شهامت است، نمونه‌های بالاتر از خود ببیند. اگر گرفتار محنت است، بداند که تألمات شدیدتر هم قابل تحمل است. اگر در دستگاه حکومت عامل ستمکاری است، شاید پند گیرد و شرم کند. خب حالا کسی که در چنین مجلسی نشست و در مقابل آثار بزرگ روح انسانی حیران گردیده، چند لحظه خویشتن را فراموش کرد و آتش عشقش در اثر دمیدن هوای دوست (همان دوست باطنی طبیعی که در نهاد تمام افراد بشر است و قبلاً اشاره نمودیم) شعله‌ور گشت، قلبش به طیبیدن درآمد و چشمش نیمی در اثر حسرت نیمی در اثر شوق اشک باریدن گرفت؛ انسان جاهل موهوم پرستی است؟

و چون نیک به ایام عمر و اطوار جهان نگرسته، گذشته و حال را پر از ناملایمات و غرق در جهل و فساد دید و یقین کرد که تنها راه علاج دردهای شخصی و جامعه پیدایش، همان افکار حکومت، همان خصل است؛ فکرش به خطرافته؟ البته وقتی حسن کند چنین علمداران عدل و مظاهر علم را (حقیقی یا خیالی) لشکریان دیوسیرت؛ یکی بعد از دیگری با قساوت تمام پاره پاره می‌نمایند؛ دلش به درد می‌آید و جانش می‌سوزد. خصوصاً اگر به یاد نظایر ستم و ناحقی که به چشم دیده و به تن چشیده است، بیفتد. بنابراین اگر بشر باشد، می‌گرید و می‌نال.



امشب ای ماه بر این عرصه چه‌ها می‌بینی؟ غرقه در خون، تن مردان خدا می‌بینی امشب ای ماه، تو چون پردگیان ملکوت از زمین منظره‌ای هوش‌ربا می‌بینی کشتگانی همه از صدرنشینان بهشت پایکوب ستم اهل دغا می‌بینی رهبرانی سر و جان باخته در راه خدا بُرده از دار فنا، ره به بقا می‌بینی امشب ای مه به نمایشگاه سربازی‌ها قهرمانان حق افتاده ز پا می‌بینی هر زمان روی برآری ز پس ابر ملال به سر و روی جهان، گرد عزا می‌بینی در سکوت شب غم‌پرور اسرارآمیز همه اطراف، غم‌آلوده فضا می‌بینی بستر آغشته به خون، خفته در این دشت جهاد جاهدانی همه از آل عبا می‌بینی در تجلیگه مردانگی پاک‌لان

نقش خونین بقا، غرق جلا می‌بینی کربلا دشت بلاخیز جهان است و در او بس شهیدان ز خون شسته لقما می‌بینی سر مبادم به تن ای ماه که بر نطح زمین تن بی‌سر ز «بزرگ شهدا» می‌بینی رخ گلگون جوانان بنی‌هاشم را از زمین نورفشان سوی سما می‌بینی پرتو روح‌فزای ابدیت را نیک جلوه‌گر در رخ ارباب صفای بینی یک طرف کشته عزیزان سرآبرده‌ی حق یک طرف زنده اسیران بلا می‌بینی ز محبان «رسول» و ز عزیزان «بتول» ای بسا سر که ز تن گشته جدا می‌بینی آن طرف دورتر ک زیر یکی خیمه سبز داغداران همه را نوحه‌سرامی‌بینی ز آن میان شیرزنی را ز مصیبت‌زدگان به گران‌طافتی «شیر خدا» می‌بینی زن چه گویم که در انبوه جماعت به‌سخن ناطقی ولوله‌افکن به ملا می‌بینی زن چه گویم که در آن نهضت بیدادشکن رهبری سوی هدف راهگشای بینی



امشب ای ماه، ز تابیدن خود بر در و دشت نکته‌های شنوی، نادره‌های بینی قاتلان را همه در قعر فنا می‌بابی کشتگان را همه در اوج علامی بینی غالبان را به حقیقت همه یکسر مغلوب سُخره مظلومه تاروز جزای بینی زورمندان زمان را همه رسوای ابد محو، در قعر سیه‌چال فنا می‌بینی و آن به‌ظاهر سر و جان باختگان را به یقین بُرده گوی سَبَق اندر دو سرا می‌بینی زندگی را همه در مرگ و ظفر را به شکست جلوه‌افروز، درین طرفه غزا می‌بینی شرح جانبازی احرار قَدَر قدر دلیر ثبت در دفتر جاوید قضا می‌بینی و آنگهی تکیه به قدرت‌زدگان را تا حشر در خور لعن و سزاوار هجا می‌بینی



دکتر علی شریعتی

دلنوشته ای برای امام حسین و حضرت زینب ای آموزگار بزرگ شهادت

ای حسین!
با تو چه بگویم؟

«شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل»
و تو ای چراغ راه، ای کشتی راهبی، ای خونی که از آن نقطه صحرا، جاودان می تپی، و می جوشی، و در بستر زمان جاری هستی، و بر همه نسل های گذری، و هر زمین حاصلخیزی را سیراب خون می کنی، و هر بذر شایسته را، در زیر خاک، می شکافی و می شکوفایی، و هر نهال تشنه ای را به برگ و بار حیات و خرمی می نشانی،
ای آموزگار بزرگ شهادت!

برقی از آن نور را بر این شبستان سیاه و نومید ما بیفکن، قطره ای از آن خون را در بستر خشکیده و نیم مرده ما جاری ساز، و تفی از آتش آن صحرای آتش خیز را به این زمستان سرد و فسرده ما ببخش.

ای که «مرگ سرخ» را برگزیدی تا عاشقانت را از «مرگ سیاه» براهانی، تا با قطره خون، ملتی را حیات بخشی، و تاریخی را به طپش آری، و کالبد مرده و فسرده عصری را گرم کنی، و بدان جوشش و خروش زندگی و عشق و امید دهی!
ایمان ما، ملت ما، تاریخ فردای ما، کالبد زمان ما
«به خون تو محتاج است»

ای زینب

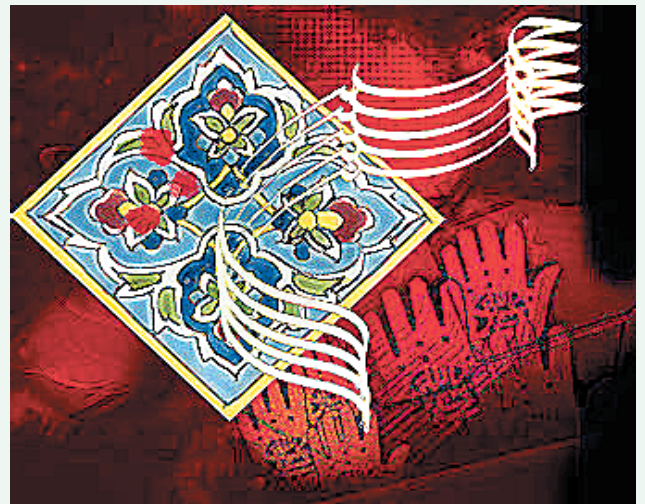
ای زبان علی در کام! با ملت خویش حرف بزن!

ای زن! ای که مردانگی، در رکاب تو، جوانمردی آموخت

زنان ملت ما اینان که نام تو، آتش و درد بر جانیشان می افکند بتو محتاج اند.

بیش از همه وقت... «جهل» از یکسو به اسارت پنهان و ذلت تازه شان می کشاند و از خویش و از تو بیگانه شان می سازد. آنان را بر «استحمار کهنه و نو»، بر بندگی «سنت های پوسیده» و «دعوت های عفن»، بر ملعبه سلازان «تعصب قدیم» و «تفنن جدید» به نیروی فریادهایی که بر سر یک شهر - شهر قساوت و وحشت - می کوبیدی، و پایه های یک قصر - قصر جنایت و قدرت را می لرزاندی - بر آشوب!

تا در خویش برآشوب اند، و تار و پود این پرده های عنکبوت فریب را بدرند، و تا در برابر این طوفان بریاد دهنده ای که وزیدن آغاز کرده است «ایستادن» را بیاموزند، و این «ماشین هولناک» را که از آنها «بازیه های جدیدی» می سازد، باز برای بلعیدن حریصانه آنچه سرمایه داری به بازار می آورد، برای لذت بخشیدن به هوسهای کثیف بورژوازی، برای شور



آفریدن به تالارها و خلوت های بی شور و بی روح «اشرافیت جدید»، و برای سرگرمی زندگی پوچ و بی هدف و سرد «جامعه» رفاه در هم بشکنند، و خود را، از «حرم های اسارت قدیم» و «بازارهای بی حرمت جدید»، به امامت تو نجات بخشند!
ای زبان علی در کام، ای رسالت حسین بر دوش!
ای که از کربلا می آیی، و پیام شهیدان را، در میان هیاهوی همیشگی قداره بندان و جلاخان، همچنان به گوش تاریخ می رسانی....

زینب! با ما سخن بگو.

مگو بر شما چه گذشت. مگو در آن صحرای سرخ چه دیدی. مگو جنایت آنجا تا به کجا رسید، مگو خداوند، آن روز، عزیزترین و پر شکوه ترین ارزشها و عظمت هایی را که آفریده است، یکجا، در ساحل فرات، و بر روی ریگزارهای تفتیده بیابان تفت، چگونه به نمایش آورد، و بر فرشتگانش عرضه کرد، تا بدانند که چرا می بایست بر آدم سجده می کردند!

آری زینب!

مگو که در آنجا بر شما چه رفت. مگو که دشمنان تان چه کردند، و دوستان تان چه کردند؟ آری ای پیامبر انقلاب حسین!

ما می دانیم، ما همه را شنیده ایم، تو پیام کربلا را، پیام شهیدان را به درستی گذارده ای، اما بگو، ای خواهر، بگو که ما چه کنیم؟

لحظه ای بنگر که ما چه می کشیم. دمی به ما گوش کن تا مصائب خویش را با تو باز گویم.

با تو ای خواهر مهربان! این تو هستی که باید بر ما بگریی.

ای رسول امین برادر، که از کربلا می آیی و در طول تاریخ، بر همه نسل ها می گذری و پیام شهیدان را می رسانی،

ای که از باغهای سرخ شهادت می آیی و بوی گلهای نو شکفته آن دیار را، در پیراهن داری،

ای دختر علی، ای خواهر، ای که قافله سالار کاروان اسیرانی،

ما را نیز، در پی این قافله، با خود بپر....

حواریون حسین



نوحه

اشاره کرده اند که از همین قبیله بوده است: «و هب بن عبدالله کلبی». هر چند ممکن است روایت فداکاری این جوان باروایت جانفشانی خانواده عبدالله بن عمیر کلبی و همسرش ام و هب، تداخل و تشابه داشته باشد، اما به هر حال در میان آنچه گفته و نوشته شده است، نام جوان آزاده ای به نام و هب بن عبدالله نیز به چشم می خورد. جوان نو مسلمان نواز دواج کرده ای که با مادر و همسرش به جمع یاران امام در کربلا پیوسته و نام مادرش ام و هب بوده است.

هم عبدالله بن عمیر کلبی و هم و هب بن عبدالله کلبی قهرمانانه جنگیده اند و عاشقانه شهید شده اند. وابستگی و هب بن عبدالله به قبیله کلب هم قرینه ای است که احتمال سابقه مسیحی بودنش را به ذهن می آورد. گفته اند که وقتی سر او را از بدنش جدا کرده اند، به سوی خیمه هایی که حسین برافراشته بود، پرتاب کرده اند. اما، مادرش عمود خیمه را برداشته و به دشمن حمله ور شده است.

آنچه مسلم است این است که حواریون حسین (ع)، چه از آغاز مسلمانان را برگزیده اند و چه بعدها به اسلام گرویده اند، با حواریون عیسی علیه السلام متفاوت بوده اند. مسیح، بار مصیبت رایک تنه بردوش داشت و صلیب مصیبت رایک تنه بردوش بُرد، در حالی که حسین بن علی هفتاد و دو فدائی عاشورایی داشت. پس از این حیث، چنین به نظر می رسد که رنج عیسی از رنج حسین بیشتر بوده است. آیا چنین است؟

«کورت فریشلر» آلمانی که کتاب «امام حسین و ایران»ش به قلم ذبیح الله منصوری ترجمه شده بود، سخنی دیگر گفته است. هر چند مشهور است که کتاب های مرحوم منصوری فقط ترجمه نیست بلکه ترجمه و تالیف است، اما آنچه در این باب آورده، با توجه به مجموعه ای آنچه نویسنده آلمانی پیش از آن و پس از آن گفته است، چنین به نظر می رسد که «نقل قول» و ترجمه ای متن است. کورت فریشلر ضمن نقد این سخن توماس مان (نویسنده و محقق دیگر آلمانی) که گفته است: وفاداری برای پرنسپ هم توام با لجابت است، می گوید: تصمیم حسین برای اینکه به طور مطلق فداکاری کند از روی عقل بوده است.

فداکاری مسیح خیلی بزرگ بود ولی مسیح زن و فرزند نداشت و روزی که آماده برای فدا شدن گردید، فرزندان را در مقابل دیدگانش به قتل نرساندند. و در فکر آن نبود که زن و فرزندان خردسالش بعد از وی چه خواهند شد. هر کس که پدر است می داند که برای یک پدر فدا کردن خویش خیلی آسان تر از این است که فرزندان خود را فدا کند.

اما حسین در فداکاری قدم را از حدود فدا کردن خود برتر نهاد و فرزندان را هم فدا کرد. حسین بن علی تا آخرین ساعت قبل از حمله عمومی سپاه یزید می توانست بگوید بیعت می کنم تا زنده بماند. تصمیم ثابت حسین برای فداکاری مطلق نه ناشی از لجابت بود، نه معلول هوی و هوس. او با پیروی از عقل مصمم شده بود که به طور کامل فداکاری کند تا مجبور نشود به وسیله سازشکاری یا یزید بن معاویه به زندگی ادامه دهد. هستند کسانی که فداکاری می کنند تا نامشان بعد از مرگ باقی بماند، اما حسین این را هم نمی خواست. فداکاری او آنقدر بزرگ بود که با اینکه خلفای بنی امیه نمی خواستند نامی از وی باقی بماند، باقی ماند!

نخل بلند او چو خسان بر زمین زدند

توفان به آسمان ز غبار زمین رسید

باد آن غبار چون به مزار نبی رساند

گرد از مدینه بر فلک هفتمین رسید

یکباره جامه در خم گردون به نیل زد

چون این خبر به عیسی گردون نشین رسید

نام حواریون مسیح عاشورا را در کنار کتابخانه تاریخ ثبت کرده اند. برخی از نام و نشان ها مشخص تر است، برخی نیز در غبار غریبی بر خاسته از خاک کربلا پیچیده شده است.

یکی از همین نام ها، «و هب» است. و هب بن عبدالله کلبی. بنی کلب و بنی کلاب، نمونه ای از نامگذاری قبیله های عربی در عهد باستان را نشان می دهد. پیش از ظهور اسلام و همچنین پس از استقرار این دین جدید در حجاز و عراق، اعراب مسیحی هم در آن سامان می زیسته اند.

خطیب محقق و استاد دانشگاه مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی در اثنای سخنرانی های معروفی که سالها پیش از پیروزی انقلاب در دهه چهل ایراد می کرد، حکایت تاریخی «امراء القیس کلبی» را مورد توجه قرار داده بود: «رباب، دختر امراء القیس کلبی است. این امراء القیس، مسیحی بود. در زمان خلافت عمر نزد وی آمد و اسلام آورد».

ایشان در ادامه ای این روایت تاریخی توضیح داده است که همین مرد مسیحی تازه مسلمان شده ی قبیله بنی کلب، به قدری شیفته اسلام و آموزه های اسلامی بود که پس از دیدار با امام علی (ع)، دختر خود رباب را به عقد از دواج حسین (ع) درآورد. و این رباب، همان بانوی بزرگواری است که مادر سکینه و عبدالله (شیر خواره شهید عاشورا) بوده و تنها زنی است که در واقعه کربلا در کنار همسرش (امام حسین) حضور داشته است. عبدالله فرزند شیر خواره ای او همان کودکی است که به نام علی اصغر (علی کوچک) معروف است.

می دانیم که امام حسین از فرط اشتیاق به نام و یاد پدر، هر سه فرزند پسر را علی نام نهاد. علی بزرگتر (علی اکبر)، علی کوچکتر (علی اصغر) و علی دیگری که از حیث سن و سال میانه (علی اوسط) بوده است. او میراث دار بزرگ عاشورا و عهده دار مقام امامت و معروف به امام سجاد و امام زین العابدین (ع) است.

اگر آنچه برخی از اهل تحقیق (مانند دکتر آیتی) نقل کرده اند کاملاً مسلم و محرز باشد، باید گفت: دختری که به خانواده ای مسیحی تعلق داشته، پس از کشف اسلام و دل سپردن به نهضت دینی جدید، در دفاع از حریم اهلبیت چنان کوشا بوده است که در مجلس امیر مستبد خونخواری همچون عبیدالله زیاد به زینب کبری (س) و امام سجاد (ع) تاسی جسته، شجاعانه از جای برمی خیزد و بر سر بریده ای که در برابر امیر اموی نهاده شده بود بوسه می زند. رباب، آنگاه با اشاره به سر مطهر امام حسین (ع)، در جهت افشای هر چه بیشتر واقعه کربلا و (به قول دکتر آیتی) گزارش به آیندگان دو بیت شعر عربی می خواند. امیر جلا دامویان از جسارت و گستاخی اسیران خشمگین می شود و فرمان اجرا نشده ی قتل را صادر می کند.

برخی دیگر از مؤرخان - اگرچه نه همه ی آنان - به جوان مسیحی تازه مسلمان شده و تازه داماد شده ای



